

کرونا در دنیای طبقاتی



کرونا تبدیل به یکی دیگر از پدیده های جدی
افشای عمق رذالت چهره سیستم سرمایه داری شد.

سیستمی که از بنیان در تناقض با زندگی، سعادت و
سلامتی بشریت قرار داشته و دارد.

کرونا بیش از پیش بی مسئولیتی مطلق دول بورژوازی در قبال
زندگی شهروندان کشورهای مختلف را لخت و عریان و به بهای قربانی
شدن صدها هزار نفر در مقابل همگان قرار داد.

نوشته ای تحقیقی، تحلیلی

نویسنده: آسو فتوحی

کرونا در دنیای طبقاتی

فهرست:

- پیشگفتار
- آیا کرونا ویروسی ناشناخته و جدیدی بود؟
- تناقضات سازمان بهداشت جهانی و کرونا
- واکسن کرونا، تولید در خدمت رفاه یا سود؟
- "مقابله با کرونا" و حربه رقابت های اقتصادی و سیاسی
- چین و آمریکا! در دنیای کرونا
- ایران در دنیای کرونا
- بریتانیا و اروپا در دنیای کرونا
- کرونا، مشاغل و پدیده بیکار سازیها
- قرنطینه، یک طنز تلخ طبقاتی
- بحران کرونا و تهی شدن ابرقدرتها!
- بودجه های نظامی! " زرادخانه های دفاع از میهن"
- کرونا، حاکمیت و امکانات
- کرونای طبقاتی و تعمیق صفتبندیها
- مردم در تقابل با قرنطینه
- کرونا و حربه ایجاد فضای پلیسی و جاسوسی
- پاندمی سرمایه داری، انتخاب شیوه دیگری از حیات

پیشگفتار

هدف این مطلب کنار هم قرار دادن سیر تحولات در دنیای کرونا است. قبل از کرونا ما با دنیای به شدت ملتهب روبرو بودیم که تقریباً بخش اعظم کشورهای سرمایه داری را در خود غوطه ور ساخته بود. دنیایی که هر روز و ساعت در گوشه ای از آن اعتراضات رادیکال و جدی شکل می‌گرفت و در جریان بود. روزی نبود که شاهد صف آرائی ماشین سرکوب بورژوازی علیه مردم متعرض در چین و فرانسه و لبنان و یونان و عراق و شیلی و ایران نباشیم یا در مورد آن نخوانیم. اما به ناگاه مصیبتی بر بشریت نازل شد که برای چند ماهی به ماشین سرکوب بورژوازی مجالی برای نفس تازه کردن داد. ظاهراً جهان در سکوتی مرگ بار فرو رفت و بشریت می باید به استیصال و پذیرفتن سرنوشتی نوشته شده توسط حاکمین تمکین می‌کرد. اما عمر این جشن بورژوازی و حکام دنیا کمتر از سه ماه بود.

کرونا تبدیل به یکی دیگر از پدیده های جدی افشای عمق رذالت چهره سیستم سرمایه داری شد. سیستمی که از بنیان در تناقض با زندگی، سعادت و سلامتی بشریت قرار داشته و دارد. کرونا بیش از پیش بی مسئولیتی مطلق دول بورژوایی در قبال زندگی شهروندان کشورهای مختلف را لخت و عریان و به بهای قربانی شدن صدها هزار نفر در مقابل همگان قرار داد. تفاوت کرونا با بحرانهای دیگر در این بود که در زمانی بسیار کوتاه، ناکارآمدی سیستم سرمایه داری را به جلوی صحنه کشاند. سیستمی که عدم آمادگی خود در هزینه کردن برای حفاظت از جان میلیونها انسان را به زمخت ترین شکل آن نشان داد.

نقش و ادعاها و بازی های سرمایه داری، در این دوره کوتاه را اگر مثل پازل کنار هم قرار دهیم، تازه تصویر واقعی از ابعاد تناقضات و کثافات جهانی که ساخته اند را میتوان روشن کرد و دید. سیستمی با بحران های لاینحل، سوالات و تناقضات بشدت بیبنادی که در برابر جوامع مختلف قرار گرفته است.

برای بررسی این ادعا تلاش کردم تا جایی که امکان داشته باشد فاکت ها و ادعاهای سیستم های حاکم در نقاط مختلف دنیا را جمع و در کنار هم قرار دهم تا تصویر "بحران کرونا" و واقعیات دنیای امروز را کمی روشنتر ببینیم.

ابتدا سری به زمین بازی بورژوازی خواهیم زد. به جبهه گیری ها و سیاست ها، از تناقضات و ریاکاری ها تا آمار و ارقام و فاش شدن اعداد نجومی سودهایشان. سودها و هزینه هائی که امروز بخاطر وارد شدن خسارت به بخش کوچکی از آن ارقام اُلترامیلیاردری در دوره سه ماهه کرونا چه شیون ها که راه نیانداخته اند.

همچنین تلاششان را در تحریف و سانسور و حذف بخشی از تاریخ به منظور اینکه به من و شما بقبولانند که چه چیزهائی را فقط ببینیم و بخوانیم و بشنویم بررسی خواهیم کرد. دست و پا زدن هایشان برای اینکه دروغ ها و سیاست های راست و غیر مسئولانه خود را بعنوان "حقیقت" و تنها راه مقابله با کرونا، به ما تحمیل کنند، با مباران های خبری و فضا سازی ها، تلاش می کنند یک پدیده را تعریف و تئوری مطلوب خود را از آن استخراج کنند. به بیان ساده تر واقعیت را از دریچه سیستم خود برایمان تشریح و تعریف کنند و به ما بقبولانند.

در نهایت تلاش دارم نشان دهم که چگونه یک فرد با برداشتن یک قدم و خارج شدن از زمین بازی آنها متوجه سیاستهای راست، اوج بی مسئولیتی و توجیهات و قبحانه دولتها و دستگاه تبلیغی شان در این بحران خواهد شد. اینکه پذیرفتن "معضلات" مقابله با این بحران، دلایل عدم آمادگی پیشرفته ترین دولتها در مقابله با آن و توجیهات دیگر در "محدودیتهای غیرقابل اجتناب" و..... یعنی ماندن در زمین بازی طراحی شده آنها و وارد شدن به دایره بسته ای است که نتیجه آن بیهودگی هر تلاشی برای تغییر و بهبود وضعیت بشریت خواهد بود. در نهایت خواهیم گفت که از دیدگاه من: مختصات و طول و عرض مبارزات ما چه میتواند باشد؟ باید با چه لنزی به بررسی مسائل پرداخت و زمین واقعی مبارزاتی برای بشریت متمدن و محرومین و زحمتکشان کجاست؟

با نگاه به روند تناقضات و بازی شرم آور بورژوازی با سرنوشت مردم، اگر توانائی طنزپردازی را داشتیم، همه تناقضات بورژوازی در برخورد به پدیده کرونا یا هر پدیده دیگری را به زبان طنز نیز می نوشتیم. چون این درجه از دهان کجی و گستاخی، چیزی جز یک طنز تلخ از نوع حقیقت زندگی در دنیای سرمایه داری برای بشریت امروز نیست.

• آیا کرونا ویروسی ناشناخته و جدیدی بود؟

از قدیم گفته اند دروغگو فراموش کار است؛ اجازه بدهید به روزهای ابتدای ظهور کرونا به گواه رسانه ها برگردیم. تغییر تاریخ تولد ویروس کرونا مبحثی است که ضرب اول می خواهم نورافکن را روی آن قرار دهیم. اظهارات و راهکارهایی که دولت ها و سازمان های مرتبط به آنها در خصوص شیوع مرگبار ویروس کرونا از خود به نمایش گذاشتند دال بر این بود که ظاهرا با ویروسی روبرو هستند که اواخر سال ۲۰۱۹ از چین یا آمریکا به تمام جهان سرایت کرده. در ادامه ادعاهایشان بگونه ای رفتار میکنند که ظاهرا باید ابعاد این فاجعه و بحران را بپذیریم زیرا که آنها هیچ چیزی در مورد این ویروس جدید و نوپا نمی دانستند.

پس برای اثبات ادعایشان نگاهی به آرشیو تاریخ دنیا در خصوص کرونا بیندازیم تا در ادامه ی آن، شواهد را با تناقضات رفتار و اطلاعات امروزشان مقایسه و بررسی کنیم.

تاریخ کشف ویروسی به اسم کرونا تقریباً ۱۰ سال قدمت دارد و اصلاً و ابدا ربطی به ژست شوک و سورپرایز شدن کشورها در سال ۲۰۲۰ ندارد. همچنین دنیای معاصر در گذشته نه چندان دورتر تجربه شیوع ویروس سارس (ویروسی از خانواده کرونا با طول عمر بیش از ۱۸ سال) را نیز داشته است، اما اولین گزارش و ابتلا به ویروس ریوی پیشرفته تر از سارس به نام "کرونا" مربوط به سال ۲۰۱۲ است که بعد از تحقیقات وجود این ویروس تأیید و ثبت شد. برای مثال به این مدارک دقت کنید. درگام بعدی این مدارک را با برخوردها و ادعاهای حکام کشورهای مختلف دنیا در سال ۲۰۲۰ مقایسه کنید.

- "دکتر بنوا گری، مسئول بخش بیماریهای عفونی در بیمارستان شهر لیل می گوید: "این برای ما کاملاً واضح است که این ویروس از طریق انسان به انسانی دیگر منتقل می شود و ممکن است این انتقال از طریق تمامی راههای تماس انسانی صورت گیرد. ما با ویروسی مواجه هستیم که در حال انتشار در سراسر دنیا است و با شناسایی آن می توانیم مانع از انتشار بیشتر آن شویم چراکه سرعت انتشار این ویروس بسیار کمتر است اما ابتلا به آن خطرناک تر است."

- "بر اساس گزارش ها، این ویروس که به نظر می رسد، جایگاه اولیه انتشار آن عربستان سعودی بوده، جان دو فرد دیگر را نیز در این کشور گرفته است. در آخرین بررسی ها در عربستان سعودی ۱۵ فرد مبتلا به کرونا-ویروس جدید شناسایی شده اند که تاکنون یازده نفر از آنها جان خود را از دست داده اند. به گزارش سازمان بهداشت جهانی، تاکنون ۳۴ فرد مبتلا به کرونا ویروس جدید در سراسر جهان شناسایی شده اند و این ویروس عامل مرگ ۱۸ نفر بوده است. ویروس جدید تا حد زیادی به ویروس سارس شباهت دارد و عامل عفونتی خطرناک در دستگاه تنفسی است که باعث از کار افتادن کلیه ها و اغلب منجر به مرگ می شود. این ویروس نخستین بار ماه سپتامبر سال گذشته میلادی (یعنی سپتامبر سال ۲۰۱۲) در عربستان سعودی شناسایی شد و تاکنون عامل مرگ افرادی در عربستان سعودی، اردن، آلمان و بریتانیا بوده است." Euronews

- "وزارت بهداشت فرانسه روز چهارشنبه ۲۱ آگوست ۲۰۱۳ تأیید کرد که نخستین فرد مبتلا به کرونا، ویروس جدید، در این کشور شناسایی شده است. این مرد ۶۵ ساله فرانسوی در اوایل اردیبهشت ماه از امارات به فرانسه برگشته بود. بعد از وخامت شدید وضعیت جسمانی او به بیمارستان منتقل شد و چند روز بعد ابتلای وی به ویروس کرونا تأیید شد. سپس علائم بیماری در، هم اتاقی او نیز دیده شد. امری که احتمال انتقال فرد به فرد این ویروس را نشان می دهد. از ماه شهریور گذشته، بیش از ۴۵ نفر در جهان به ویروس کرونا آلوده شدند که ۲۳ نفر از آنها جان باخته اند.

- انسان عامل انتقال کروناویروس جدید است."

در گام نخست، شواهد بالا به ما می گویند: با بیماری روبرو هستیم که تقریباً ده سال از شناسایی خانواده این بیماری و نوع ویروس میگذرد.

دوم: پزشکان یک دهه است ثبت کرده اند که این ویروس کدام بخش از ارگانهای بدن را به شکلی مرگبار مورد هدف قرار میدهد.

سوم: تاریخ به جای مانده از عملکرد ویروس این امر را نیز ثابت کرده که چه افرادی بیشتر در معرض خطر قرار میگیرند. چهارم: این ویروس قابلیت بالایی انتقال از فرد مبتلا را دارد و بیمار کرونایی به عنوان ناقل بیماری تثبیت شده است.

پس با استناد به مدارک تاریخی خودشان آن هم تازه آن بخش از مدارکی که قابل دسترس می باشد: ماتریال لازم برای مقابله نوع ویروس کرونا از ۱۰ سال پیش معلوم و مشخص هستند " حتی اگر واکسن آن هنوز تهیه نشده باشد"، و همچنین حکام سودجوی دنیا متوجه بوده اند که کدام قشر و رنج سنی آسیب پذیرتر هستند و باید به فکر راه چاره در عرض این ده سال می بودند. همچنین به محض رویت حتی دایره محدود شیوع این نوع بیماری، راه جلوگیری از شیوع گسترده تر را باید و می شود گرفت چون از ناقل بودن این ویروس اطلاع دقیق و کامل داشتند.

اما در سال ۲۰۲۰ شاهد برخوردی کاملاً متفاوت و ادعاهائی کاملاً متناقض هستیم که مدارک ثبت شده آن را در ادامه خواهیم آورد.

• تناقضات سازمان بهداشت جهانی و کرونا

نخست از برخورد سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۲۰، یعنی تقریباً ده سال بعد از شناسایی و تأیید وجود چنین ویروسی شروع کنیم.

- در ۴ ژانویه ۲۰۲۰ چین برای نخستین بار در رسانه‌های اجتماعی اطلاعاتی مبنی بر "شیوع موارد متعدد نوعی ذات‌الریه" را گزارش دادند و روز بعد سازمان بهداشت جهانی خبر شیوع یک بیماری در چین را منتشر کرد اما اعلام کردند که "شواهدی از واگیر بودن و انتقال این بیماری از انسان به انسان دیده نشده است".
- با گذشت شش روز یعنی در ۱۰ ژانویه: سازمان بهداشت جهانی اولین خبر مربوط به شیوع کرونا را منتشر کرد اما "محدودیت ارتباط بین المللی" را لازم نمی دانست.

اینجا ظاهراً با بیماری ناشناخته ای روبرو هستند که همانطور که گفتیم دروغ محض است! این ویروس از چندین سال پیش شناخته شده بوده و از سال ۲۰۱۲ به ابعاد مخرب آن آگاهی داشتند.

- تقریباً دو هفته بعد از شیوع کرونا، نهاد اصلی سازمان بهداشت جهانی در واکنش به بیماری‌های واگیردار اعلام می‌کند که "ممکن است انتقال محدود بیماری از انسان به انسان وجود داشته باشد".
- بعد از بیست روز از گسترش مرگبارترین ویروس قرن، کمیته اضطراری سازمان بهداشت جهانی در ۲۲-۲۳ ژانویه نشست در این خصوص برگزار میکنند. حال بازتاب خبری و نتیجه این نشست: "کمیته اضطراری سازمان بهداشت جهانی نمی‌تواند به یک توافق در این مورد دست یابد که "آیا شیوع این بیماری توجیه‌کننده اعلام وضعیت اضطراری به خاطر نگرانی از گسترش بین‌المللی است یا نه".

در ادامه به چرایی این بازی باز خواهیم گشت که چه اندازه تمام دست اندرکاران و بازیگران سیستم سرمایه هرکدام به نوبه خود نقش ضد انسانی شان را بازی کرده اند. دلایل و مدارک افشای دروغین بودن این پُزها را با هم مطالعه خواهیم کرد.

- حتی بعد از نشست کمیته اضطراری سازمان بهداشت جهانی در ۲۲-۲۳ ژانویه، سازمان بهداشت جهانی باز هم توصیه در مورد سفر به چین منتشر می‌شود و با اشاره به نزدیک بودن سال نو چینی "سازمان توصیه می‌کند که هیچ‌گونه محدودیت در سفرهای بین‌المللی" لازم نیست.
- و بالاخره در ۳۰ ژانویه، یعنی بعد از تقریباً یک ماه از گسترش ویروس در اقصا نقاط جهان: کمیته اقدامات اضطراری سازمان مجدد تشکیل جلسه داده و وجود شرایط اضطراری و نگرانی بین‌المللی از شیوع بیماری را اعلام می‌کند.

• واکنس کرونا، تولید در خدمت رفاه یا سود؟

اما اولین سوال این است که چرا در سال ۲۰۱۲ با تشخیص این ویروس و مخاطرات جدی آن برای بشریت و علیرغم هشدارهای محققین پزشکی اقدامی برای ممانعت از گسترش آن، پیدا کردن راههای مداوا و مقابله با آن ویروس صورت نگرفت؟ دلیل این درجه از نیرنگ و دروغ و آن هم به این آشکاری در چیست؟ جواب به سادگی در عدم سودآوری این اقدامات نهفته است، همه‌ی این "تعطل" و "تاخیر"ها و دروغ و نیرنگ ها برای این است که قدرتهای کاپیتالیستی آن زمان هزینه های ادامه کار و تحقیقات برای ساخت واکنس این ویروس را به دلیل عدم سود دهی قطع کردند و ماجرا را مثل هزاران جرم و جنایت دولتی دیگرشان زیر فرش فرش کردند و مهر سکوت بر آن کوبیدند. مانورها و جوسازی های رسانه ای شان و ضد و نقض گویی های امروزشان تلاشی برای سرپوش گذاشتن بر این واقعیت و مخفی کردن تناقض نظامشان با زندگی انسانها و بشریت است. بورژوازی به خوبی میدانست که با چه پدیده وحشتناک و مرگباری روبرو است، بیش از ۱۰ سال است که از پتانسیل های مخرب این ویروس و توان کشتار جمعی آن آگاهی داشتند، تا جایی که تقریباً ده سال پیش تصمیم به صرف هزینه در پروژه تحقیقات و ساخت واکنس کرونا میکنند اما با گذشت یکی دو سال چون سرعت شیوع این بیماری کاهش یافته بود، علیرغم اینکه این ویروس کما کان موجود بود و قربانی می گرفت، پروژه و کار بر روی تهیه واکنس را به دلیل اینکه سوددهی کلان و سریعی نداشت تعطیل کردند و تحقیقات برای کشف و ساخت واکنس را متوقف کردند.

برای مثال به چند بند از آرشیو تاریخ برای سندیت این گفته ها توجه کنید:

- دکتر پیتر هاتز (Dr Peter Hotez)، مدیر مرکز واکنس در بیمارستان کودکان تگزاس و معاون دانشکده ملی داروهای گرمسیری در هوستون، در ماه مارس امسال (۲۰۲۰) در برابر کمیته علمی مجلس نمایندگان آمریکا شهادت داد که وی و تیم همکارش در سال ۲۰۱۶ مشغول کار روی واکنس ویروس کرونا در تگزاس بودند. قدم بعدی این بود که تحقیقات بر روی مردم آغاز شود. اما در عوض پیشرفت این روند، او مجبور شد این پروژه را به دلیل عدم علاقه سیستم و قطع بودجه های آن از طرف دولت ها، متوقف کند. هاتز به کمیته گفت: "ما در ساخت واکنس تلاش و پیشرفت قابل ملاحظه داشتیم." "اما در آن مقطع زمانی هیچ کسی علاقه ای به واکنس ویروس کرونا نشان نداد."

- پروفیسور ماسیمو فلوریو (Massimo Florio)، استاد اقتصاد عمومی در دانشگاه میلان، میگوید: "بسیست سال از شیوع SARS نگذشته است، اما صنایع داروسازی این نوع بیماریهای عفونی را از نظر اولویت در نظر نگرفته اند زیرا به اندازه بیماری های مزمن سودآور نیستند."

تجزیه و تحلیل توسط اطلاعات بلومبرگ نشان داده است که ۲۰ شرکت بزرگ دارویی جهان در طی یک سال گذشته حدود ۴۰۰ پروژه تحقیقاتی جدید را اداره کردند. تقریباً نیمی از این پروژهها به مقابله با سرطان اختصاص یافته است، این در حالی است که فقط ۶۵ مورد از این ۴۰۰ مورد به بیماری های عفونی اختصاص داده شده و از این میان تنها چهار واحد دارای واکنس ویژه هستند.

پروفسور فلوریو می گوید: "سیستم تحقیقاتی کنونی قربانی تضاد غیر قابل تحمل بین اولویت علم برای سلامت و علم برای سود است."

در تقابل با این مدارک، سخنگویان بورژوازی و مافیای دارو با این تئوری وارد عرصه می شوند که "بر اساس خطرناکی ویروس بودجه و تحقیقات در نظر گرفته می شود" و در این مدت بارها از آنها شنیده ایم که: "ویروس کرونا مثلاً به اندازه آنفولانزا یا ذات‌الریه تلفات ندارد!" اولاً اگر حتی آمار سالیانه هر کدام از این امراض را نگاه کنید بیشتر از آمار سه ماه تلفات کرونا نیست، اما حتی اگر کسی این استدلال احمقانه و غیر انسانی آنها را قبول کند، تازه صورت مسئله این می شود که: در دنیای امروز تمامی آن امراضی که آمار مرگ و میر بالای آن را به رخ جهان می کشانند دارای واکسن هستند و کرونا دارای این امکان نیست.

نکته! توجه داشته باشید که تنورسین های بورژوازی وقتی جنایت هولناکی که در حال حاضر در جریان است را می خواهند تحریف کنند، به تاریخ و اسنادی دست می برند که اتفاقاً آن اسناد نیز پرده از هزاران جنایات هولناک دیگر سیستم شان برمیدارد. به عبارت دیگر هر چه بیشتر تلاش کنند تا مدل زندگی در باتلاق سرمایه داری را تئوریزه کنند بیشتر عمق ناکارآمدی و ضد انسانی بودن این نظام را نمایان میکنند.

دوماً، سوال این است که چرا علیرغم وجود واکسن بیماری هایی مانند آنفولانزا و یا ذات‌الریه هنوز تعداد قربانیان آن چنین بالا است؟ چرا واکسن این بیماریهای کشنده بطور رایگان در دسترس همگان قرار نمیگیرد؟

جواب ساده است. برای بورژوازی جان انسان قابل گذشت است اما سود نه! بحث بسیار واضح است "ملاک نجات جان شهروندان نه ارزش انسانی شان، بلکه معیار سنجش مقدار سود و اعتبار بانکی است که در نجات جان کسی بدست خواهند آورد." کرونا که جای خود دارد ببینیم برخوردارشان با بیماریهای رایج و دارای واکسن چگونه است:

- پزشکان بدون مرز میگویند: "تقریباً یک سوم کشورها در سطح جهان به دلیل قیمت گزافی که توسط دو تولید کننده دارویی واکسن، Pfizer و GSK، تعیین شده اند، نمی توانند واکسن پنومونی را در بسته استاندارد واکسیناسیون خود قرار دهند." این سازمان ادامه میدهد: "پنومونی بزرگترین قاتل کودکان زیر پنج سال در سراسر جهان است." بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی، در سال ۲۰۱۷ بیش از هشتصد هزار کودک زیر پنج سال در اثر ذات‌الریه فوت شده اند که ۱۵٪ کل مرگ و میر کودکان در آن گروه سنی را تشکیل می دهند.

از این روشن تر که در دنیای کاپیتالیستی قرار نیست پدیده ای به اسم دارو برای نجات انسان تولید شود؟ اینکه شاخص حرکت و تولید در این سیستم بازار و کسب سود است که دستور تولید دارو یا دستور ساخت واکسنی را میدهد و همچنین منطق، بازار است که تعیین میکند فلان دارو یا واکسن را در صورت سودآور بودن به تسمه تولید اضافه کند یا خیر. در ادامه نیز تازه به آنجا میرسیم که قیمت داروی که جان انسان را نجات می دهد میتواند به گونه ای تعیین شود که عملاً در دسترس بودنش برای نجات جان عزیزانمان غیر قابل تصور نباشد.

• "مقابله با کرونا" و حربه رقابت های اقتصادی و سیاسی

قبل از ورود به این بحث یک نکته را باید تاکید کنم که دعوی دو قطب اقتصادی چین و آمریکا که اهدافی که دارند هیچ ربطی به منفعت و زندگی مردم دنیا ندارد و بهانه هایی چون "مقابله با کرونا" و تنها حربه ای برای ایجاد گرد و غبار بر واقعیت های پشت پرده این جنگ و رقابت اقتصادی و سیاسی است.

اما از زمان شیوع کرونا، مدتی زمین و زمان را پر از اخباری کردند که "آیا کرونا ویروس چینی است یا ویروس آمریکایی؟" انگار کل صورت مسئله همین است.

اجازه بدهید سیری کوتاه به این سیاه بازی ها ببندازیم و بعد برگردیم به اصل ماجرا که این مسئله می تواند چه ربطی به مرگ در جریان میلیونها انسان داشته باشد.

مروری گذرا:

• چین و آمریکا! در دنیای کرونا

- بنابر گزارش رسانه های چین، لی ون لیانگ، پزشک جوان چینی که نخستین بار در سی ام ماه دسامبر گذشته نشانه های ظهور ویروس کرونا را هشدار داده بود خود جدیدترین قربانی این اپیدمی در شهر ووهان شد و جان باخت. پلیس ووهان پس از این که دکتر لی شروع به اطلاع رسانی درباره ظهور ویروسی شبیه سارس کرده بود با مراجعه به محل زندگی اش از او خواسته بودند در این باره سخن نگویند و این پزشک جوان را تهدید کرده بودند که ممکن است به علت "تشویش اذهان عمومی و انتشار اطلاعات کذب" بازداشت شود.
 - روز شنبه، فاکس نیوز آمریکا به نقل از خبرنگار خود "جان رابرتز" مدعی شد که یک منبع اطلاعاتی ارشد به او گفته که بین بیش از ۱۷ سازمان اطلاعاتی توافق وجود دارد که منشاء COVID-19 آزمایشگاه ووهان است.
 - بینگ لو دانشمند چینی که درباره منشا ویروس کرونا تحقیق می کرد در خانه خود به ضرب گلوله کشته شد. او قرار بود به زودی نتایج تحقیق خود را اعلام کند. دپارتمان پزشکی و زیست شناسی سیستمی و محاسباتی دانشگاه پیکنسبرگ که بینگ لو در آنجا تحقیق می کرد، در بیانیه ای میگوید: "تمرکز کار تحقیقاتی بینگ لو روی علوم اساسی کرونا-ویروس بود. وی در آستانه یافتن تحقیقات بسیار مهمی درباره یافتن مکانیسم های سلولی بود که سبب ایجاد کووید-۱۹ می شوند."
 - در تاریخ ۱۳ مارس ۲۰۲۰ ژائو لیان، سخنگوی وزارت خارجه چین میگوید: "شاید ارتش آمریکا این اپیدمی را به ووهان آورده باشد. اطلاعات خود را منتشر کنید! آمریکا به ما یک توضیح بدهکار است". ژائو، لینکی را از یک سایت اینترنتی منتشر کرده است که پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به خاطر تمرکز بر تئوری های توطئه در باره حمله به برج های دوقلوی نیویورک مشهور شده است.
 - اظهارات رسمی و تامل برانگیز رابرت ردفیلد، مدیر مرکز کنترل و جلوگیری از بیماری ها در آمریکا، مبنی بر ثبت مواردی از ابتلا به بیماری کووید-۱۹، پیش از شیوع آن در چین، این دیدگاه را که آمریکا منشاء ویروس کرونا بوده تقویت کرده است.
 - سناتور جمهوری خواه به اسم "تام کاتن" مدعی شد که کرونا یک سلاح بیولوژیکی است که توسط ارتش چین ساخته شده است و سناتور دیگری مدعی شده که کرونا در چین باعث پیروزی اقتصادی ما میشود.
 - چین در گام بعدی با افشای مدارکی اعلام کرد که کرونا یک سلاح بیولوژیکی ایالات متحده است. در همین خصوص در آمریکا نیز شاهد ویدئوی استیضاح مسئولین سازمان بهداشت بودیم که به روایت این ویدئو آمریکا مدتی است که این ویروس را داشته و اگر اشتباه نکنم در این جلسه رسمی و دادگاهی مدعی شدند که در آمریکا ۳۰۰۰ مورد مرگ مشکوک به کروونا را قبل از شیوع در چین و جهان به اسم آنفلانزا ثبت و دفن کرده اند.
- بمباران و فضا سازی های رسانه ای که از طرف قدرتهای منطقه ای و جهانی به راه افتاده است هدف اش این است که بگوید: مسئله مهم این نیست که در حال حاضر صدها هزار انسان دارند جان خود را به دلیل مبتلا شدن به ویروس کرونا از دست

میدهند، برعکس باید فعلا به کشف "ملیت" ویروس کرونا بپردازیم تا قدرتهای جهانی بتوانند از آن در تغییر توازن قوا و رقابتهای سیاسی و اقتصادی استفاده کنند. این همهی واقعیت پشت پُز "احساس مسئولیت" رهبران جامعه جهانی است.

به هر حال این فضا سازی ها چیزی جز به حاشیه راندن اصل صورت مسئله، یعنی فاجعه عظیم کشتار و مرگ انسانها نیست. تلاشی برای منحرف کردن ذهن انسان ها از بی مسئولیتی سیستم موجود در دنیا و دُول نماینده آن است.

اما در خود آمریکا اوضاع چگونه پیش می رود:

- در ۲۶ فوریه ۲۰۲۰ ترامپ در سخنانش گفت به خاطر تدابیر زودهنگام دولت او مانند منع سفر غیر آمریکایی ها از چین به این کشور، ایالات متحده در برابر ویروس کرونا موفق بوده است و به خاطر تمهیداتش آمریکا دچار شیوع ویروس کرونا نشده است.

به کرونا، درجه شیوع آن و معضلات مردم در آمریکا باز خواهیم گشت اما آنجا نیز تراژدی کشتار خیل عظیمی از انسانها توسط پاندمی کرونا پرده بر تمامی پروپاگاندا و سناریوسازی ها را کنار میزند و تنها راه باقی مانده برای حُکام آمریکا انداختن گناه به گردن متهم دیگری بود و چه کسی بهتر از چین. منطق این است که "امروز هر کجای دنیا مشکلی پیش بیاید تقصیر کشور رقیب است!" به هر حال برخلاف ادعاهای دولت آمریکا و ترامپ و دیگر سخنگویان آن که دولت چین را به عدم اطلاع رسانی به موقع و سازمان بهداشت جهانی را به کم کاری متهم می کردند، اما وقتی روزنامه ها و اخبار خودشان را ورق بزنید متوجه می شوید که اتفاقا آنها بسیار به موقع توسط مشاوران و سرویس های اطلاعاتی خود از شدت و حدت این بحران در حال شکل گیری، آگاه شده بودند.

- "دولت ترامپ نخستین هشدار را در ۱۳ دیماه ۹۸ (۳ ژانویه ۲۰۲۰)، یعنی قریب به ۲ ماه پیش از اعلام نخستین مرگ ناشی از کووید-۱۹ در سیاتل، دریافت کرد. دو هفته بعد از آن، ترامپ بار دیگر توسط مقامات بهداشتی، از نزدیکی یک بحران وسیع مطلع شد. در همان جلسه و تحت تاثیر مشاوران انتخاباتی اش، ترامپ، الکس ایزار وزیر بهداشت را به خاطر سیاست های اتخاذ شده در باب ممنوعیت سیگار های الکتریکی به شدت به باد انتقاد گرفت و این موضوع را تهدیدی برای رقابت های انتخاباتی خودش اعلام کرد. درست در همان زمانی که وی در مصاحبه های متعدد، کرونا را دست کم می گرفت و یا برای آمریکا بی اهمیت می شمرد.

ترامپ به منظور کسب منفعت اقتصادی از اوضاع جهانی و دست پیمشی گرفتن از رقیب خود یعنی چین، خود را به ناآگاهی میزند، اما آرشیو رسانه ای ثابت میکند دولت آمریکا از قبل شیوع و گسترش ویروس در سطح کشور از تمام کموکیف ماجرا آگاه بوده و به خوبی از عمق بحران و خطرات ناشی از ویروس کرونای جدید مطلع بوده است. این همان مسئله ای است که تمام تلاش های ترامپ را برای وارونه نشان دادن اوضاع و اظهار بی اطلاعی هایشان را باطل میکند.

- "نانسی مسونیر" رئیس مرکز ملی ایمن سازی و بیماری های تنفسی آمریکا، در هشدار عمومی در تاریخ ششم اسفند ۹۸ (۲۵ فوریه ۲۰۲۰)، سرعت شیوع ویروس کرونا را بسیار وحشتناک توصیف کرد و خواهان عزم و آمادگی سراسری برای مقابله با یک اختلال جدی در زندگی آمریکایی ها شد. ترامپ که در آن زمان در حال بازدید از هند بود، از لحن وحشت افزای خانم مسونیر و تاثیر منفی صحبت های او بر بازارهای بورس، بسیار عصبانی شد.

نکته جانبی در مورد بورس:

بر اساس اظهارات آماری برخی رسانه ها "دونالد ترامپ علاقه وصفناپذیری به بازار بوس و نوسانات آن داد. این علاقه ی وافر ایشان به بورس بر اساس مدارک و اسناد، یعنی ۲۸۰ توییت در دوره ریاست جمهوری اش تا اوایل سال ۲۰۲۰ اندروصف بورس ارسال کرده، حدودا میشود هر چهار روز یکبار.

این پدیده عجیبی نیست، به هر حال سردمداران بورژوازی در هر ۲۰ یا ۳۰ هزار سال یکبار شاید در مورد حق انسان برای زنده ماندن حرف بزنند اما در مورد سودسرمایه اگر ۲۴ ساعت روز هم سخنرانی کنند باز وقت کم می آورند. اما به بحث و ادامه تناقضات شان برگردیم:

- ۱۵ دیماه ۹۸ (۵ ژانویه ۲۰۲۰)، وزیر بهداشت آمریکا در برابر یکی از کمیته‌های کنگره شهادت داد که خطر ابتلای عمومی آمریکایی‌ها به ویروس کرونای جدید بسیار پایین است و به آنها اطمینان داد که حداکثر عمق ابتلای این ویروس در این کشور همچون یک مورد آنفلوآنزای فصلی شدید خواهد بود.
- ویلبر راس، وزیر بازرگانی آمریکا گفته است شیوع ویروس کشنده کرونا در چین می‌تواند برای اقتصاد آمریکا خوب باشد. آقای راس در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: "فکر می‌کنم این امر به تسریع بازگشت شغل‌ها به آمریکای شمالی کمک خواهد کرد."
- ترامپ در گفت‌وگویی که سه روز بعد، در بیست و یکم بهمن با فاکس نیوز داشت، گفت: "من فکر می‌کنم چین به شکل بسیار حرفه‌ای اداره می‌شود از آن جهت که آنها همه چیز را تحت کنترل دارند." "من واقعا معتقدم که آنها به زودی بیماری را به کنترل کامل خود در خواهند آورد. شاید بشود گفت در آوریل و با گرم‌تر شدن هوا این ویروس خواهد مُرد. و آن تاریخ خیلی زیبایی است که باید منتظرش بود."

اما:

- در بیست و هشتم اسفند، ترامپ تغییر مسیر داد و در تویییتی از برخورد جدی خودش از ابتدای شروع بحران در چین صحبت کرد و حتی از کرونا با نام "ویروس چینی" یاد کرد: "من همیشه ویروس چینی را خیلی جدی می‌گرفتم و از همان ابتدا اقدامات بسیار خوبی را در موردش اتخاذ کردم، از جمله اینکه بسیار سریع، با وجود مخالفت‌ها، من تقریبا همه مرزهایمان را با چین بستم. کاری که جان بسیاری را نجات داد. روایت جدیدی که رسانه‌های دروغین مطرح می‌کنند شرم آور و کذب است."

بالتر هم اشاره کردم وقتی فضاحت عملکرد و بی مسئولیتی حاکمیت در قبال زندگی میلیونها انسان عیان میشود، باید انگشت اتهام را به جایی، غیر از مسئولین اصلی وضعیت، نشانه رفت. مثلا در دولت کنونی آمریکا می توان به سرزنش سازمان جهانی بهداشت، دولت چین و فرمانداران دموکرات و روی آورد.

- روز دوشنبه (۹ مارس ۲۰۲۰) که بورس در سقوط آزاد بود، ترامپ در توییت مدعی شد که "سال گذشته ۳۷ هزار آمریکایی به خاطر آنفلوآنزای معمولی مردند. میانگین سالانه بین ۲۷ هزار تا ۷۰ هزار است. چیزی تعطیل نمی‌شود، زندگی و اقتصاد در جریان است. در این لحظه ۵۴۶ مورد ابتلا داریم و ۲۲ مورد هم مرگ. به این فکر کنید!"
این دقیقا همان استدلال آشنای این روزهای تئورسین ها و سازمانها و انستیتوهای به اصطلاح علمی بورژوازی است که از زبان حکام سرمایه در اقصی نقاط جهان به طُرق مختلف می شنویم، مقایسه احمقانه و غیرعلمی ابعاد مرگ مثلا آنفلوآنزا و کرونا. اما نکته اصلی این است که تنها دلیلی که می تواند باعث شود ۷۰ هزار نفر در یک کشور با آنفلوآنزای معمولی جانشان را از دست دهند عدم وجود ابتدائی ترن امکانات درمانی و پزشکی در آن سیستم حکومتی است. به توخالی بودن این نوع مقایسه و استدلال ها، بالا هم پاسخ دادم اما زمان بسیار کمی از بیان این ادعاها و "تئوری" ها نگذشت که، آمریکا با فاجعه جدیتری روبرو شد تا جائی که در صدر جدول ابتلا و تلفات کرونا در سطح جهان قرار گرفت.

- نمونه دیگری از نحوه مراقبت دولت از مردم در آمریکا "دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا اعلام کرده که برای مقابله با گسترش ویروس کرونا، سفر از تمام کشورهای اروپایی حوزه شنگن به آمریکا را به مدت یک ماه متوقف می کند. او گفته که این محدودیت ها شامل بریتانیا نمی شود."

خواننده عزیز اینجا اشتباه فکر نکنید که حکام دولتهای بورژوازی و قدرت های منطقه در فکر بده بستن های سیاسی و اقتصادیستند، بلکه فقط و فقط در فکر جان مردم هستند. به هر حال امروز بر کسی پوشیده نیست که آمریکائی ها و انگلیسی ها کرونا نمی گیرند و اینجا متوجه می شویم که این تصمیم از سر نگرانی برای مردم بوده که حاکمیت آمریکا اعمال کرده و مسئله هم اصلا سیاسی نیست! به هر حال آمار و ارقام ثبت شده و رسمی نشان میدهد که در دنیای واقعی این موضع گیری آمریکا چه اندازه برای ممانعت از شیوع کرونا در کشور و در راستای حفظ جان مردم بوده است.

نکته! مصادف با همین تصمیم و در همین دوران، بریتانیا صدر نشین جدول آمار مرگ و میر و ابتلا در همسایگی اروپا بود و آمریکا نیز بعد از مدتی صدر نشینی جدول آمار مرگ و میر بر اثر کرونا در کل دنیا را به خود اختصاص داد:

ابتلای فقط کشور انگلیس: ۳۰۶۸۶۲ انسان - مرگ: ۴۳۰۸۱ انسان
ابتلای فقط کشور آمریکا: ۲۴۴۰۱۷۱ انسان - مرگ: ۱۲۳۷۸۴ انسان
ابتلای کل قاره اروپا: ۱۹۲۱۹۸۹ انسان - مرگ: ۱۴۱۴۰۵ انسان
آمار اروپا منهای انگلیس بر اساس برکزیت است و کل مجموع آمار جهانی تا زمان نوشتن این مقاله به شرح زیر است:

مبتلایان جهان: ۹۴۳۴۵۱۰ انسان - مرگ: ۴۸۱۸۹۰ انسان

نکته جانبی در مورد این آمار و ارقام: باید متوجه باشیم که کلمه انسان از این اعداد تفکیک ناپذیر هستند. هر تک عدد یکی از عزیزترین عزیزانمان است که در دنیای امروز با اعدادی بی روح و عناوینی که حاکی از ببرد نخور و محکوم به مرگ بودن آنان است، مانند "کودکان مریض" یا "افراد مریض"، "معلولین"، "سالمدان" و غیره دسته بندی میشوند. کل تلاش تئوریسین های بورژوازی در این مورد این است که به چگونه نگاه کردن به این فاجعه، دلایل و راههای مقابله با آن، اجتناب پذیر یا ناپذیر بودن آن در اذهان مردم شکل دهند. مثلا از دید این تئوریسین های "محترم" اینگونه است که: از بین هفت میلیارد و هفتصد و شصت و هشت میلیون نفر (۷۷۶۸۰۰۰۰۰۰) جمعیت کل کره خاکی این تعداد ناچیز عدد کم شود و از بین بروند، "مرگ" که چیزی نیست و اصلا نباید برای کسی مهم هم باشد. به قول ترامپ "به این فکر کنید!" به واقع از منظر سرمایه داری این آمار، غیر از اعداد و ارقامی برای تعیین تعداد نیروی کار ارزان و مقدار بازدهی سود چیزی بیش نیستند و ماهیت و ارزش و اعتبار انسانی ندارند.

سخنگویان شان کسانی مثل روحانی و بوریس جانسون یا ترامپ و غیره با گستاخی و وقاحتی وصف ناپذیر، رسماً اعلام میکنند آماده باشید و بپذیرید و بروید بمیرید. ... مهم نیست این یک عدد خواهر، مادر، دوست صمیمی یا شریک زندگی تان یا هر عزیز دیگری باشد که در ادامه به این مسئله بر خواهیم گشت.

اما شاهکار توحش دیگری که رقم خورد، پزشک شدن ترامپ بود:

- "دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا روز پنجشنبه ۲۵ آوریل ۲۰۲۰ در حالی که خواستار بررسی تاثیر تزریق مواد ضد عفونی به داخل بدن انسان برای مقابله با بیماری "کووید ۱۹" شد که پزشکان در مورد تبعات چنین اقدامی هشدار داده اند."

این نمونه ها مختص فقط به آمریکا نیست و جای جای دنیای مدرن امروز مسائلی را شاهد بودیم که بشریت را از این درجه از حماقت متحیر می کند. برای مثال: سوزاندن کتاب پزشکی و تجویز خوردن خاک و گل به اسم تربت امام حسین تا خوردن سرگین خر و یا لیس زدن در و دیوار اماکن جهل و خرافه زیارتی تا استعمال مقعدی روغن بنفشه و یا خوردن ادرار گاو و لیسیدن و بوسیدن مانیتور برنامه فلان پزشک سنتی در کشور های مختلف که اتفاقا از جانب سیستم های حاکمشان به آنها فضای مانور هم داده میشود.

مهم نیست اسم کسی که دارد این اراجیف را به هم می‌بافد چیست بلکه اینها سخنگویان و سردمداران سیستم هائی هستند که مثل بختک بر زندگی میلیاردها انسان در کره خاکی چمبره انداخته اند.

امثال اینها می‌تواند رهبری کره شمالی تا جمهوری اسلامی تا دولت فرانسه و شیلی و آمریکا و ایران و چین و هر جای دیگر باشد و برای رقابت های سیاسی، اقتصادی، انتخاباتی و خود از آن استفاده کنند، دیگری را به سُخره بگیرند یا مقصر جلوه دهند و هزار بازی کثیف دیگر در برابر هم به نمایش بگذارند. اما صورت مسئله یکی است و آن هم بی‌ربطی و تناقض سیستم موجود با سرنوشت، زندگی و آینده انسانی بشریت است.

• ایران در دنیای کرونا

حکام و تئوریسین های ایران نیز فضا را مهیا دیده و وارد نقد سیستم آمریکا می‌شوند.

- تهران (پانا) - تناقض در اظهارات متعدد رئیس جمهوری آمریکا و افزایش جان‌باختگان این کشور در اثر گسترش بی‌سابقه ویروس کرونا، این حقیقت کاخ سفید را بیش از پیش عریان می‌سازد که جان انسان‌ها برای سردمداران آن اهمیتی ندارد.

اینرا سخنگویان یکی از متوحش ترین حاکمیت‌های جهان می‌گویند! انگار مردم دنیا اهل کره مریخ هستند و نمی‌دانند که جان انسان در ایران چه اندازه برای حکام و دستگاه دولت و ماشین سرکوب اش اهمیت و قرب و احترام دارد!

- به گزارش ایرنا، بیماری کووید ۱۹ با سرعت فزاینده‌ای در حال انتقال به شهروندان آمریکایی است و تا کنون بیش از ۹۰ هزار نفر خود را در اثر این بیماری از دست داده‌اند. با مرور اتفاقات چند ماه گذشته به نظر می‌رسد هیچکس در قربانی کردن این تعداد از جان‌های بی‌گناه، بیشتر از رئیس جمهوری این کشور یعنی دونالد ترامپ مقصر نیست.

در این نمونه نیز جمهوری اسلامی از بی‌آبرویی ترامپ در افکار عمومی جهان می‌خواهد استفاده سیاسی و تبلیغاتی خود را ببرد. اما واقعیت این است که در دنیای امروز به شهادت اعتراضات و شعارهای مردم معترض، جملگی اینها از جمهوری اسلامی تا چین و آمریکا و فرانسه و انگلیس هویت ضد انسانی شان برملا شده و آبرویی برایشان نماده تا چه برسد به اینکه بی‌آبرویی همدیگر را برای خرید آبروی خود دستاویز کنند.

تا اینجا روند را در چین و آمریکا بررسی کردیم و دیدیم هر دو بورژوازی با دو مدل حکومتی مختلف زندگی انسانها را چه چینی و چه آمریکائی به بازی گرفتند.

حال ببینیم حاکمیت و تئورسین های ایران که پُر دلسوزی برای مردم آمریکا را میدهند، خود چه کرده اند و در دنیای کرونائی ایران چه گذشته است.

هم اینکه همزمان با شیوع ویروس مرگ به روابط سیاسی اقتصادی و تجاری چین و ایران و خوش رقصی های ایران به این مسئله نگاهی بیندازیم.

خارج از اینکه طبق اخبار رسانه های مختلف شیوع کرونا در ایران به بیش از یک ماه قبل از تاریخ رسمی اولین اعلام آن مربوط است اما فعلا ما بر متن زمین بازی چیده شده خودشان پیش می‌رویم.

در حرکت اول حاکمیت در ایران اعلام شیوع بیماری مهلک و مرگ بار کرونا در ایران را یک حربه "دشمنان" برای ممانعت از حضور مردم در انتخابات مجلس در اول اسفند اعلام کردند و عدم حضور مردم در این نمایش را به این "شایعات" و تلاش ها نسبت دادند. انتخابات هائی که چندین دوره است مردم شرافتمند و جان به لب رسیده ایران نه فقط در آن شرکت نمی‌کنند بلکه آن را خیمه شب بازی بیش نمی‌پندارند.

- خامنه‌ای با تشکر از مردم ایران برای شرکت در انتخابات گفت: "شب پنجشنبه خبر بروز بیماری در قم داده شد. سحر پنجشنبه شروع کردند و به مردم گفتند مبادا بروید و در صف رای دادن بایستید. یعنی دشمنان از کمترین فرصتی استفاده کردند."

- سران حکومتی: مردم ایران در انتخابات "کرونا" را مات کردند.

صرف نظر از هذیان گوئی‌ها، تدابیر و تئوری‌هایشان را در دوران کرونا بررسی کنیم. ابتدا به دعوای چین و آمریکا و تلاش ایران برای استفاده از آن برای نجات اقتصاد ویران و بحران زده اش نگاهی بیندازیم. در بحبوحه گسترش سریع و مرگبار ویروس کرونا، ایران با تمام قدرت به کمک چین شتافت، با این تصور که روابط و همکاری بین آنها بسیار قدرتمند شود. تحلیل گران برای تقویت و توجیه این امر به عرصه رسانه هجوم می‌آورند و می‌گویند:

- "مردم چین از تشدید اخیر تنش‌ها میان آمریکا و ایران و همچنین مصائب اقتصادی ایران به واسطه وضع تحریم‌های سختگیرانه ضد این کشور به خوبی آگاهند. به ویژه با توجه به اوضاع و احوال موجود، بسیاری از چینی‌ها بسیار قدر دان کمک‌های سخاوتمندانه ایران به کشورشان در چنین مقطع زمانی سرنوشت‌سازی هستند.

- حمایت ایران در بحبوحه بحران کرونا از چین از هر دو جنبه مادی و نمادین برخوردار بوده است: ایران علیرغم مواجهه با معضلات اقتصادی ناگوار خود، یک میلیون ماسک صورت از طریق هلال‌احمر به چین اهدا کرده است. محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران نیز "مهارت‌های" دیپلماتیک "فوق‌العاده" خود را در قالب برقراری ارتباط با طرف چینی به نمایش گذاشت. اظهارات وی همه نکات مدنظر مقامات را پوشش دادند. ظریف در جریان گفتگوی تلفنی با وانگ یی وزیر امور خارجه چین ابتدا از دولت چین به خاطر آنکه "به شکل مسئولانه و شفاف تدابیر به‌موقع و قاطعی در مبارزه با همه‌گیری بیماری اتخاذ نموده است، تمجید کرد."

گفتم که فعلا سعی داریم عامدانه بیشتر در زمین بازی چیده شده سیستم‌ها حرکت کنیم و تلاشی که هر کدام از این سیستم‌ها دارند تا به مردم بقبولانند با چه لنزی دنیا را نگاه کنند و واقعیت را آن‌طور که مقبولشان است تعریف و به خورد جامعه دهند. اینجا بحث این نیست که کدام کشورها مجازند به هم کمک بکنند یا نکنند، بلکه بحث تضاد و تناقض است، بحث بده بستان قدرتهاست به قیمت جان مردم. در دنیای واقعی هر انسانی و هر کشوری موظف است به انسان یا به کشور دیگری برای نجات جان و حرمت و کرامت انسان کمک کند. اما این ژست "انسان دوستی" با پیشینه جلادان حاکم در ایران زیادی زنده و وقیحانه است.

از منظر روند و رویدادهای اعتراضی دنیای امروز و مردم، واقعیت این است که: سرمایه داری ایران یا چین و دنیا نه فقط تامین‌مایحتاج بهداشتی و معیشتی ابتدائی‌ترین حقوق زندگی مردم را انجام نمی‌دهند، که هر تلاشی برای دستیابی به ابتدائی‌ترین حقوق را نیز به سخت‌ترین شکل ممکن سرکوب هم می‌کنند.

اما زمانی که در ایران ابعاد فاجعه را نمی‌شد به هیچ شکلی مخفی و زیر فرش کرد تناقض گفته‌ها و آمارهای اعلام شده شان کم کم برای مردم بیشترسریاز کرده و نمایان شد. تا به امروز هم هنوز آمار واقعی و به روز شده ای برای تعداد مبتلایان به کرونا در ایران در دست نیست و سازمان بهداشت ایران و دولت غیراز آمار بسیار پائینی که به سازمانهای جهانی بهداشت اعلام کرده اند، حاضر به ارائه آمار واقعی نیستند. اما در لابه لای اخبار گاه‌ا صدایی از سر اشتباه یا از سر بیان حقیقت از جانب پزشکان و موسسات پزشکی و بهداشتی بیرون می‌آمد که آن صداها نیز به سرعت خفه یا توجیه می‌شود.

- "دکتر مینو محرز عضو کمیته کشوری مقابله با کرونا گفت: در حال حاضر حدود ۲۰ درصد از جمعیت کشور به بیماری کرونا مبتلا شده‌اند و با گذشت زمان شاهد تغییر علائم این بیماری هستیم.

طبق این اظهارات تقریباً بیش از ۱۶ میلیون نفر مبتلا در ایران وجود دارد. اما آمار رسمی اعلام شده از جانب ایران به بانک جهانی مبتلایان: دویست و دوازده هزار و پانصدویک نفر (۲۱۲۵۰۱) است. که حاکمیت جمهوری اسلامی پخش و گسترش بیشتر این اظهارات را نیز مثل دهها مورد دیگر به سکوت کشاندند و در هیاهوی رسانه ای محو کردند. اما تلاش برای کتمان یا منحرف کردن اخبار و یا به سکوت کشاندن صدای مردم یا وارونه نمایی روند اوضاع چه اندازه برای سیستم ها موفقیت آمیز است؟

پیشرفت دنیای تکنولوژی و نوع ارتباطات امروز باعث سرعت آگاهی جامعه نسبت به روند مسائل با شتابی بالا در مقیاس محلی و منطقه ای و جهانی شده و به تبع آن درک و خرد عمومی در آگاهی سریع تر سیر تحولات جامعه شده است. با بهره گیری مردم و ایجاد رسانه ها و خبر رسانی های مردمی، تقابلی جدی با رسانه های بورژوازی به وجود آمده که کار تحریف و نمان کاری را به مراتب برای سیستم های متبوع شان سخت تر کرده است.

زمانیکه ابعاد فاجعه انسانی ناشی از این بی مسئولیتی ها از حساب خارج می شود، و رسانه هایشان نیز رسواتر از آن هستند که نقش ایفا کنند اینبار قهرمانان و رهبران ملی و وطنی و مذهبی و غیره برای صدور حکم وارد میدان می شوند تا اول با خط و نشان کشیدن و بعد اگر لازم شد با اعمال فشار و حکم حکومتی فضای جامعه را به سکوت و سانسور و فیلتر و خفقان و ارباب بکشاندند. حال ببینیم رسانه های ایران چه اخباری را به جای اطلاع رسانی از ابعاد فاجعه کرونا و چه باید کردها پوشش میدهند.

- "علی خامنه‌ای، رهبر ایران، می‌گوید این احتمال مطرح است که شیوع ویروس کرونا در ایران "حمله بیولوژیکی" بوده باشد. او این فرضیه را در فرمانی مطرح کرده که خطاب به سرلشکر محمدحسین باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران، برای تشکیل قرارگاه بهداشتی و درمانی مقابله با کرونا نوشته است.
- حبیب‌الله سیاری معاون هماهنگ‌کننده ارتش ایران روز دوشنبه ۲۳ مارس ۲۰۲۰، از اجرایی کردن فرمان خامنه‌ای برای برگزاری "رزمایش بیولوژیک" خبر داد.
- علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، روز سوم فروردین در سخنرانی نوروزی اش دولت آمریکا را به "ساخت ویروس کرونا" متهم کرد و گفت: "گفته شده که یک بخش [ویروس کرونا] برای ایران بالخصوص تولید شده است. با استفاده از آشنایی‌های ژنتیک ایرانی که از وسایل مختلفی به دست آورده‌اند، این بخش را برای ایران درست کرده‌اند".

مهندسی کردن این زمین بازی برای بورژوازی در ایران چندین لایه دارد. در ضرب اول علمداران "هویت ملی" و "مذهبی" و ناسیونالیستی ایرانی باید به میدان بیایند و پشت رهبر بسیج شوند. دوم هر کسی با این طیف همراه نشود خائن است، کسانی که اینگونه فکر نمی کنند دشمن، نفوذی و ضد حکومت و نظام هستند. و سوم با این "حمله بیولوژیکی" بهانه میلیتاریزه کردن جامعه هم مهیا است. پس سربازان ولایت به بهانه مقابله با کرونا در خیابان مشغول کنترل مردم و کمک به "کرونای حکومت" میشوند. اما این حربه ها و این قبیل تلاش ها در استفاده از "بحران کرونا" مختص ایران نیست. امروز این تلاشی جهانی از طرف بورژوازی در تمام دنیا است و در تمامی کشورها نعل به نعل با همین مژد و دقیقاً با همین ساختار اجرا می شود.

در ادامه بعد از ناکارآمدی حربه "حمله بیولوژیکی عامل شیوع ویروس کرونا در ایران" است، اینبار یکی دیگر از فصل های سناریوی توجیه و تزویر شروع می شود.

● "فرهنگ پائین مردم" مقصر اصلی!

همه شاهد بودید که بعد از گذشت یک ماه و نیم از اپیدمی و بعد پاندمی کرونا رسانه های ایران، ایتالیا و برخی کشورها اعلام کردند در شیوع وسیع کرونا مقصر مردمی هستند که رعایت نمی کنند. اگر به عنوان یک نظارگر مدافع سیستم امروزی مسئله

را نگاه کنیم در ضرب اول این تئوری را به هزاران دلیل خواهید پذیرفت. که ببینید مردمی که "رعایت نمی کنند"، جان خود و دیگران را به خطر می اندازند!

بگذارید به چند مثال از این "تئوری مشعشع" بپردازیم و ببینیم چگونه بورژوازی توپ را به زمین مردم می اندازد و صورت مسئله و جای مسئول و قربانی را تغییر میدهد.

بیائید یک لحظه خود را به نادانی بزنیم و از دریچه ای که آنها دوست دارند و می گویند به دنیا نگاه کنیم و قبول کنیم که "مردم بی فرهنگ مقصر اول در شیوع کرونا هستند" و به سوالاتی که پیرامون آن قرار می گیرد نگاه کنیم.

بخشی از این مردم که رعایت نمی کنند مجبورند میان "از گرسنگی مردن یا از کرونا مردن"، یکی را انتخاب کنند و علیرغم خطرات ناشی از کرونا به کار در اماکن عمومی ادامه دهند.

بخشی هم مجبورند، چون کار و شغل شان را تعطیل اعلام نکرده اند، در خانه نمی توانند بمانند و اگر خودسرانه کار را تعطیل کنند از حقوق بخور و نمیری که دارند هم دیگر خبری نخواهد بود "I can't stay home". به عبارت دیگر، غیر مستقیم سیستم به آنها می گوید "روش در خانه بمانید تا زنده بمانید ربطی به شما ندارد" پس به ادامه کار و تردد مشغول میشوند.

حاکمیتی که عدم رعایت موازین بهداشتی از جانب مردم "بی فرهنگ" در بوق و کرنا میکند، همزمان مراسم های چند هزار نفره در تشییع جنازه فلان و بهمان سردارشان در زمان اوج شیوع کرونا میگیرد و خم به ابرو نمی آورد. به نمونه هایی از این "درایت و فرهنگ بالای" حاکمان نگاه کنیم:

- حسین اسداللهی یکی از سرداران سپاه به خاطر ابتلا به کرونا میمیرد، هزاران هزار نفر را سازمان میدهند تا در مراسم تشییع جنازه اش شرکت کنند. و این هزاران هزار "بمب کرونا" قرار است به درون جامعه برگردند! حاکمیت مقصر نیست!
- عدم قطع پرواز به چین، در زمان اوج شیوع کرونا در چین بدلیل سود هنگفت پروازها! حاکمیت مقصر نیست!
- قرنطینه نکردن قم "مرکز شیوع کرونا" و اماکن زیارتی شان! حاکمیت مقصر نیست!
- عدم وجود بیمه بیکاری و درمانی و معیشتی برای میلیونها کارگر و بیکار، تعطیل نکردن مراکز تولیدی و! حاکمیت مقصر نیست!

میگویند برای حکومت قرنطینه مهم است. از سوی دیگر تناقضات عملکردشان را در زمانی که کشور به سمت یک فاجعه میلیونی خیز برداشته، میرفت، سخنگویان نظام سرمایه در ایران می گفتند:

- کار و اشتغال و قلب اقتصاد از دیروز (تاریخ مربوط به دو هفته اول نمایش قرنطینه در ایران است) به کار خود ادامه داده و روحانی اعلام کرد: "چیزی به نام قرنطینه نداریم؛ نه امروز نه در ایام نوروز!"
- "رهبر" هم که "فرموده" امسال باید سال جهش تولید باشد. البته درست گفت؛ سال جهش تولید تابوت و قبر منظورش بوده. حاکمیت مقصر نیست!

- جالب است حکومت برای سرکوب خواست مطالبات رفاهی و معیشتی، کارگران و زنان و خیل میلیونی مردم در عرض چند ساعت خود را سازمان میدهد، نیرو بسیج میکند و اختناق میلیتاریستی را در شهر و کوچه و دشت و کوه راه می اندازد. اما جلوی انتقال مسافران و تردد را نمی تواند در یک جاده صاف بگیرد. حاکمیت مقصر نیست!

این خیمه شب بازی ها و دهان کجی به جان مردم را در کشورهای "متمدن" غربی هم مشاهده میکنیم.

• بریتانیا و اروپا در دنیای کرونا

- بوریس جانسون در نخستین واکنش به وضعیت کرونایی انگلیس گفت؛ هیچ خبری از قرنطینه نیست، آماده مرگ تعدادی از عزیزانمان باشید، فعالیت‌ها نباید تعطیل شود.

اما مدتی بعد، زمانی که ابعاد کشته‌های انسانی و واگیر به جایی رسید که قرنطینه عملاً شکل گرفت. ۲۰ هزار پلیس وارد شهر شد و کنترل‌های مرزی صورت گرفت. این وضعیت اسفبار مردم انگلیس تا جایی پیش رفته که برای مدتی آمار روزانه مرگ و میر در بریتانیا از کل اروپا بیشتر شد.

- بوریس جانسون در ۱۲ مارس استراتژی دولت را اعلام کرد که در بهترین حالت می‌توان آن را مهلک و خطرناک خواند. استراتژی بورژوازی انگلیس بر این اساس بود که امکان پیشگیری و از بین بردن این ویروس مرگ بار را ندارد. پس باید به استقبال آن برود و سیاست "مصونیت گله‌ای" را پیش برد. به این معنی که همه مردم باید کرونا بگیرند و راهی نیست (به طبع این یعنی ثروتمندان و نیروی قوی می‌ماند و ضعیف‌ها و پیرها و بیمارها می‌میرند؛ تاکید از من) پس اعلام کرد که: هیچ قرنطینه خانگی، تعطیلی مدرسه و ممنوعیت اجتماعات جمعی، به ویژه مسابقات فوتبال وجود نخواهد داشت. مشاوران خبره دولت با گستاخی تمام ابعاد ابتلای مردم در این سناریو را در بدترین حالت ۸۰ درصد تخمین زدند. در همان روزها محققین پزشکی در بریتانیا از احتمال مرگ حدود پانصد هزار نفر حرف می‌زدند. بر اساس این تئوری، پس از دستیابی به "مصونیت گله‌ای"، انگلیس دوباره می‌توانست بدون ترس از شیوع بیشتر، در صحنه بین‌المللی رونق بگیرد.

بازی و قمار با زندگی مردم آنها با کارت مصون شدن از ابتلای دوباره که در هیچ کجای دنیا تا کنون آزمایش و یا به لحاظ علمی تأیید نشده است. " طی تحقیقات پزشکی و علمی، محققان تا به امروز اعلام کرده‌اند که افراد مبتلا به کرونا بعد از بهبودی نیز مبتلا خواهند شد و در دور دوم ابتلا، شدت خطر اگر بیشتر نباشد کمتر خواهد بود."

- در ادامه جانسون در اعلامیه خود اعلام کرد که 'تعداد زیادی از خانواده‌ها، عزیزان خود را به زودی از دست می‌دهند.'
»

این فضاقت سیاسی انگلیس به حدی شرم‌آور بود که تحت فشار افکار عمومی و بسیاری در جامعه علمی، جانسون سرانجام سیاست خود را اصلاح کرد.

- در ۱۶ مارس، او اجتناب از حضور در اجتماعات گسترده را توصیه و قرنطینه هر کسی که علائم Covid-19 را داشت اعلام کرد.

- در ۲۳ مارس، پس از اعتراضات گسترده مبنی بر ضرورت فاصله‌گذاری اجتماعی و با پرسیدن ظرفیت بیمارستان‌های لندن که به نقطه اشباع رسیده و تلفات بسیار سنگین انسانی را متحمل شده بودند، دولت سرانجام تصمیم به اعلام تعطیلی در سراسر کشور گرفت.

- "بر اساس آمار رسمی در روز چهارشنبه ۶ مارس ۲۰۲۰ آمار مرگ و میر ناشی از کووید ۱۹ در بریتانیا به ۳۵۹ نفر رسید، رقمی که از مجموع آمار مبتلایان در کل کشورهای عضو اتحادیه اروپا در آن روز بیشتر بود. در همین زمان در ۲۷ کشور اتحادیه اروپا از جمله فرانسه، ایتالیا و اسپانیا که از کانون‌های کرونا بوده‌اند، آمار قربانیان ۳۱۱ نفر اعلام شد."

بریتانیا در مجموع با حدود ۴۳ هزار مرگ بر اثر کرونا از نظر آمار مرگ و میر در اروپا رکورد دار است و تا زمان تهیه این مطلب در جهان نیز در رده دوم بعد از آمریکا قرار دارد. وحشتناک اینجا بود که علیرغم این روند روبه افزایش مرگ و میر، دولت انگلیس تصمیم به راه اندازی مجدد صنعت و بازار را گرفت.

- براساس اطلاعات منتشره از یورونیوز "لغو تدریجی قرنطینه به رغم شرایط حاد: با وجود آن که روند کاهش آمار کرونا در بریتانیا در روزهای اخیر مانند کشورهای دیگر اروپا نیست، اما مسئولان این کشور تصمیم گرفته‌اند تا مقررات قرنطینه را گام به گام حذف کنند"

همین روند را در ایتالیا نیز شاهد بودیم. ایتالیا در ابتدا حتی حاضر نشدند که لیگ فوتبال را که از منابع سوددهی اقتصاد فلج ایتالیا است بدون تماشاچی برگزار کنند ولی بعد از مدتی کار به قرنطینه کل میلان و در ادامه ایتالیا رسید که همگی ابعاد بحران و فاجعه انسانی که آنجا شکل گرفت را شاهد بودیم. فقط برای نمونه:

- خانه مراقبت سالمندان Pio Albergo Trivulzio، یکی از بزرگترین مراکز مراقب از سالمندان در اروپا بود که از این گزند جان سالمی بدر نبرد. از زمان آغاز وضعیت اضطراری بهداشتی کشور بیش از ۲۰۰ نفر از هزاران ساکن آن در آنجا جان باخته اند. یک فعال اتحادیه صنفی، پیتر، معتقد است اگر اقدامات ایمنی از قبل اعمال می شد و جدی گرفته میشد، حتما میشد جان بسیاری از این افراد را نجات داد و اکنون زنده بودند.

همانطور که اشاره کردم این روند و سیاستهای ضد انسانی دول مختلف در دنیا را هرچه بیشتر نگاه کنید همسوئی همگی را در ارجحیت تولید برای سود نسبت به جان انسان می بینید.

در اتریش تعداد مبتلایان به ویروس کرونا به ۱۱ هزار و ۸۷۷ نفر رسید اما چون تعداد بیماران ناشی از این ویروس در بخش مراقبت‌های ویژه در حال کاهش بود از این رو قوانین قرنطینه برداشته شد.

در فرانسه نیز ابتدا و در همان زمان که بحران کرونا از سطح اپیدمی به پاندمی اعلام شد، هم اماکن توریستی و گردشگری باز بودند و هم فوتبال و مراکز تفریحی! اما مدتی نگذشت که آنجا هم آمار تلفات و فاجعه انسانی به جایی رسید که کشور را عملاً تعطیل کردند.

اما نکته جدی که اینجا راه منفعت دنیای انسانی را از منفعت دنیای سرمایه داری جدا میکند امر کار و تولید برای تامین نیاز یا تامین سود است. در تمامی این موارد ما میبینیم که راه حل اصلی که بتواند جان انسانها را از مرگ و کشتار توسط کرونا برهاند و نجات دهد مسئله تعطیل کردن کار و طرح قرنطینه در مدت های مشخص با ایجاد امکانات برای مبتلایان است.

• کرونا، مشاغل و پدیده بیکارسازی ها

اما قبل از پرداختن به تعطیلی موقت کار که در ادامه در "مبحث قرنطینه" به آن خواهیم گشت، نکته قابل تامل، تاثیر دنیای کرونا بر پروسه اشتغال و کار در دنیای بعد از کرونا است که خیل عظیم بیکاران را نوید میدهد. خیل میلیاردي انسانهایی که زندگیشان را در دردناک ترین و اسفبار ترین شکل در دنیایی مجبورند پیش ببرند که مواد و نعمات و امکانات برای یک زندگی تماماً استاندارد و مرفه برای بشریت در آن موجود است. مسئله بیکاری های میلیونی که از همین امروز شروع شده و یکی از معضل های جدی دنیای پس از کرونا خواهد بود.

- در آمریکا آمار متقاضیان بیمه بیکاری دو هفته پیش به ۶ میلیون و ششصد هزار نفر رسید که در تاریخ این کشور بی‌سابقه بوده است؛ طی دو هفته مجموعاً نزدیک به ۱۰ میلیون نفر تقاضای بیمه بیکاری کردند. در سال ۲۰۰۸ میلادی تعداد افراد بیکار در این کشور ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر اعلام شده بود.

- بر اساس برآورد های سازمان جهانی کار "آی ال او" به دلیل طبعات پاندمی کرونا تا پایان امسال حدود ۲۰۰ میلیون به ارتش بیکاران اضافه خواهد شد که با اکتساب تقریبی جمعیت خانواده های سه نفره کارگری ۶۰۰ میلیون انسان در فقر و فلاکت مطلق زندگی خواهند کرد. طبق این آمار در کشوری مانند ایران تخمین زده اند ۴ میلیون به جمعیت بیکار اضافه میشود و همراه اعضا خانواده چیزی حدود ۱۲ میلیون انسان به جمعیت زیر خط فقر ایران اضافه خواهد شد.

قرار است بیکاری و بیکارسازی ها در ابعاد وسیع و گسترده به خیل میلیونی انسانها تحمیل گردد، فقر و فلاکت و سیه روزی که همین امروز هم دامان میلیونها انسان را در سراسر جهان گرفته است، برای طیف وسیعی از مردم دسترسی به پدیده هائی چون بهداشت و درمان، آموزش، مسکن، امکانات رفاهی و در کل ابتدائی ترین امکانات معیشتی جزو غیر ممکن ها شده است. هر روز وضعیت معیشت و سفره طبقه کارگر و محرومین جامعه کوچکتر و بدتر از روز قبل می شود. این همان فلاکت و سیه روزی ارمان بورژوازی جهانی برای بشریت است.

طبق برآوردهای محققان در این زمینه:

- زندگی تقریباً یک ممیز شش میلیارد کارگر، به طور قابل توجهی تحت تأثیر بحران کرونا قرار گرفته است و "بحران کرونا" منجر به کاهش ۶۰ درصدی درآمد آنها می شود. برای این دسته از کارگران گزینه متوقف کردن کار یا کار از راه دور و یا از منزل وجود ندارد و ممکن نیست. ماندن در خانه به معنای از دست دادن شغلشان است و برای بسیاری نیز به معنای از بین رفتن معیشت و کل زندگی آنهاست.

گفتم که بسیار مهم است که انسان کجا بایستد و این پدیده ها را نگاه کند یا به قول معروف با کدام لنز می خواهیم دنیا را نظاره گر باشیم. آن موقع واقعیت ها یکی نخواهند بود. دنیا را یا باید از زاویه طبقه کارگر و نیروی مولد نعمات این دنیا دید یا اینکه از زاویه طبقه سرمایه دار و چپاولگر نعمات این دنیا دید. منفعت و صلاح زندگی حاکمین و محکومین یکی نیست. به موضوع و مسئله ی قرنطینه برگردیم.

• قرنطینه، یک طنز تلخ طبقاتی

این پدیده را در ایران و آمریکا یا چین و یا هر کشور اروپائی مورد بررسی قرار دهیم نتایج مشابهی نخواهیم گرفت چون مدل های حکومتی بورژوازی در این کشورها متفاوت است. بر فرض مثال در ایران با در نظر گرفتن تمام تناقضاتی که از آن گفتم فرض بگیریم دولت اعلام میکند مردم باید قرنطینه را رعایت کنند. سوال اول این است که مردمی که به بهداشت و پوشاک و از همه حیاتی تر به غذا نیاز دارند، با کدام احساس امنیت در خانه بمانند؟

پُر دُول بورژوازی از آمریکا تا ایران در ضرورت قرنطینه، زمانیکه مسئله معیشت، بهداشت، سلامت و ... جامعه را تضمین و تامین نکرده اند، زیادی نجسب است. به همین دلیل یکی دو هفته بعد از قرنطینه دوباره کفگیر طرح ریاکارانه شان به ته دیگ می خورد و این بار با ژست دایه دلسوزتر از مادر وارد صحنه می شوند، سینه چاک میدهند که مردم گرسنه اند و خودشان نمی خواهند در قرنطینه بمانند. یا در آمریکا اعلام میکنند دولت تماس ها و فشارهای زیادی را از طرف مردم دریافت کرده دال بر اینکه می خواهند قرنطینه پایان یابد و به سر کارشان برگردند. این هم از تناقضات دیگر دنیای سرمایه است.

در ایران بخش اعظم جامعه در برابر ناامنی کامل شغلی قرار دارند و بخش وسیعی هم اگر فقط چند روز را سرکار نروند یعنی آن چند روز را باید با وحشت مرگبار گرسنگی خود و فرزندان و عزیزانشان سر کنند. کدام قانون در ایران یا آمریکا در شرایط بحرانی مثل کرونا از کارگر حمایت میکند؟ کدام بیمه بیکاری یا مرخصی بلند مدت یا استعلاجی زندگی اش را امنیت می بخشد؟ کدام امنیت شغلی، معیشتی، درمانی، بهداشتی و درکار است و تضمینی برای آن قرار داده است.

مگر قبل از کرونا اعتراضات سراسری که در دنیا از جمله یونان، ایران، شیلی، فرانسه، مکزیک، لبنان، چین، عراق، و در جریان بود بر سر عدم امنیت رفاهی، معیشتی، جانی و عدم آزادی، در ابعاد وسیع در جریان نبود که تازه با بحران کرونا و عدم توان این سیستم در پاسخگویی به دفاع از زندگی شهروندان و برآورده کردن ابتدایی ترین امکانات در دفاع از زندگی بشر بتواند جوابی داشته باشد.

اقتدار محروم و کم درآمد در ایران که اصلا جای حرف ندارد ولی در آمریکا، این "مهد تمدن و ثروت"، این "قدرت اقتصادی و نظامی اول جهان" چه؟

- کارگر در آمریکا حتی اگر شامل بیمه ای هم بشود تازه باید بخشی از هزینه، منجمله پزشکی، را که قابل ملاحظه هم هست از جیب خود بدهد. "در ۳۹ ایالت آمریکا چیزی به نام مرخصی استعلاجی وجود ندارد."

- خصوصا در نبود بیمه بیکاری مکفی، در نبود طب رایگان، در نبود بیمه های اجتماعی، اگر مردم به شعار "قرنطینه شوید" دولت ها گوش دهند، ماحصل عملی آن در زندگیشان به چه معنی خواهد بود؟ برای مثال در آمریکا چند هفته سرکار نرفتن و یا چند هفته قرنطینه شدن در منزل، به معنی چند هفته بدون درآمد ماندن، از دست دادن مسکن و است.

یعنی در هر دو کشور درست است دولت میگوید سر کار نروید اما قرار است اقتصاد و چرخ تولید نخوابد و شما را وادار میکند با پای خود قانون را نقض کنید و سر کار بروید. انتخاب خوبی در مقابل شما می گذارند. ماجرا به همین سادگی است! یا سرکار نروید و بمیرید یا سر کار بروید و بمیرید! و خاطی هم چه کسی است؟ خود مردم! حربه ای برای شانه خالی کردن از هر مسئولیتی از جانب حاکمیت.

• بحران کرونا و "تهی دست" شدن ابرقدرتها!

دول بورژوازی برای سرباز زدن از پذیرش مسئولیت در برابر تامین معیشت، تضمین سلامتی و زندگی شهروندان، تئوری دیگری را به جامعه حقه میکنند و آن اینکه: "دولت ها غافلگیر شدند" و "هیچ دولتی آماده مقابله با چنین شرایطی نبود". میگویند:

اولا، ویروس ناشناخته و شیوع ناگهانی بوده است.

دوما، به تبع آن هیچ کشوری به فکرش هم خطور نمی کرده خود را برای مقابله آن آماده کند.

سوما، امکانات و هزینه لازم در دست نیست و در بحران اقتصادی هستیم.

اما آیا واقعا اینطور است؟ در ابتدای مطلب پوچی این ادعا و این "غافلگیری" را نشان دادیم. علاوه بر آن، ما نه در دوره قرون وسطی و ناتوانی بشریت در مقابله با طاعون، بلکه در قرن بیست و یک و رشد غیرقابل تصور علم پزشکی زندگی میکنیم. رشدی که برخلاف قرون وسطی قادر است بشریت را در مقابل بسیاری از بیماری ها مصون نگاه دارد و هیچ دولتی را "سورپرایز" نکنند.

در مورد "هزینه بالای" مقابله با بیماری و بحران اقتصادی هم در ابتدای مقاله گفتیم که سرمایه گذاری در رشته پزشکی و بهداشت و سلامت شهروندان به دلیل "سود آور" نبودن از طرف دولت مختلف قطع و به جای آن صرف تقویت دستگاه سرکوب و ماشین جنگی شان شد. علاوه بر این هیچ درجه از بحران اقتصادی هم نه فقط هزینه مجلس، ارتش، زندان و را کم نکرد و برعکس در بحرانی ترین دوره ها هیچ دولتی تردیدی در افزایش بودجه دستگاه دولت و ماشین سرکوب از خود نشان نداد. آماري که موسسات و دولت مختلف از "خساراتي" که طی سه ماه گذشته دیده اند واقعیت سودی که این موسسات و دولت به جیب میزنند را نشان میدهد.

پس با هم نگاهی با این روند بیندازیم:

- ۳۰۰ میلیون یورو درآمد صنعت گردشگری ایران! "ضربه کرونا به صنعت پولساز گردشگری ایران. فعالان صنعت گردشگری ایران از متحمل شدن آسیب ۵۳۰۰ میلیارد تومانی (۳۰۴ میلیون یورویی) و آغاز تعدیل کارکنان خود به دلیل تعطیلی های ناشی از شیوع ویروس کرونا خبر می دهند."
- یولیان رایشلنت نویسنده یک مطلب جنجالی و تحریک آمیز در نشریه آلمانی بیلد، در مقاله ای تحت عنوان "آنچه چین به ما بدهکار است"، نوشت آلمان باید یک صورتحساب ۱۵۰ میلیارد یورویی برای جبران خسارت های ناشی از کرونا را به چین بفرستد. "صورتحساب" مورد نظر این خبرنگار شامل ۲۴ میلیارد یورو ضرر گردشگری آلمان از ماه مارس تا آوریل، بیش از هفت میلیارد یورو خسارت صنعت فیلمسازی، ۱ میلیون یورو خسارت هواپیمایی لوفتانزا و ۵۰ میلیارد یورو برای سود از دست رفته مشاغل کوچک آلمان بوده است.
- سالانه یک میلیون و چهارصد هزار شهروند چینی برای تفریح به استرالیا می روند و درآمد استرالیا از این محل حدود ۱۲ میلیارد دلار تخمین زده شده است که متاثر از شیوع ویروس کرونا شده است.
- شهر ووهان چین با جمعیت یازده میلیون نفر: ۳۵۷ میلیارد یوان درآمد سال گذشته میلادی - ۳۱۹ میلیون نفر تعداد بازدیدکنندگان شهر ووهان در سال گذشته بوده است.
- ایتالیا: در اثر کرونا تنها در یک هفته ۲۰۰ میلیون دلار به صنعت توریسم این کشور خسارت وارد شده است.
- ضرر ۱۱۵ میلیارد دلاری به صنعت توریسم در آسیا به دلیل شیوع کرونا.
- زیان روزانه ۶۰ میلیون دلاری خودروسازان جهان از کرونا در دومه اول شیوع کرونا.
- ثروت ۵۰۰ تروتمند برتر دنیا مشترکاً ۴۴۴ میلیارد دلار است.
- تعویق یا لغو بازی های المپیک: ۶۵ میلیارد یورو ضرر برای ژاپن
- پیش از این صندوق بین المللی پول اعلام کرد که بر طبق برآوردهای تازه در نتیجه انتشار ویروس کرونا اقتصاد دنیا بالغ بر یک میلیون دلار متضرر می شود.

توجه داشته باشید که تا سه ماه پیش، این آمار نجومی جزو سود بود نه ضرر و به جیب مبارکشان سرازیر می شد. اما یک صنعت سوددهی دیگری هست که این آمارهای سر سام آور در برابر آن ناچیز است. صنعت نظامی و جنگ. هزینه های نظامی نجومی برای ساخت بمب و تجهیزات که قرار است روی سر مردم بیگناه در خاورمیانه و افریقا و امریکای لاتین، با پز "دخالته بشر دوستانه"، "دفاع از اعتراضات مردم" و خراب بشود.

صنعت نظامی و جنگی که تمام رهبران دنیا قسم خورده اند آن را تقویت کنند و تا آخرین قطره خون تک تک ما و تا آخرین جرعه های نفس تک تک ما (نه خودشان) بچنگند و هزینه آن را بیشتر و بیشتر کنند. قرار است کارگران ایرانی و امریکائی گرسنه بخوابند و امکانات درمانی در دوران کرونائی نداشته باشند تا هزینه ساخت بمب تامین شود. آنها با این استدلال که امریکائی ها به دست ایرانی ها یا برعکس از بین نروند. کسی هم اگر جرأت کند و انتقادی به این تئوری وارد کند به جرم و برچسب "ضد ملت و میهن و کشورش" و "دوستی با دشمن" به سراغش خواهند رفت.

• بودجه های نظامی! "زرادخانه های دفاع از میهن"

همه میثنویم که تمامی کشورهای دنیا هر کدام به هر نسبتی و با هر شکل حکومتی از عدم وجود امکانات کافی برای نجات جان بشریت در دوران کرونا به اشکال زیرکانه صحبت میکنند. حالا این همه ضجه را در کنار این خبر قرار دهید و قضاوت کنید. خبر کمی طولانی است اما اجازه بدهید گزارش کامل این بررسی خواندنی را با هم مروری کنیم. البته این آمار و ارقام تنها شامل بخشی است که اجازه انتشار علنی پیدا کرده است.

در سال ۲۰۱۹ هزینه های نظامی در سطح جهانی رکورد زد و به رقم ۱۹۱۷ میلیارد دلار رسید. بر اساس تازه ترین گزارش موسسه تحقیقات صلح بین المللی استکهلم موسوم به سپیری (SIPRI) هزینه های نظامی در جهان در سال ۲۰۱۹ نسبت به ۲۰۱۸، حدود ۳/۶ درصد افزایش یافته است که بیشترین افزایش سالانه از سال ۲۰۱۰ تاکنون است.

پنج کشور که بیشترین هزینه نظامی را در سال ۲۰۱۹ داشته اند و ۶۲ درصد کل هزینه نظامی جهانی را به خود اختصاص داده اند ایالات متحده آمریکا، چین، هند، روسیه و عربستان سعودی می باشند. البته این نخستین باری است که دو کشور آسیایی (چین و هند) در میان ۳ کشور اول در لیست بیشترین هزینه نظامی در سطح جهان جای گرفته اند.

مجموعه هزینه نظامی جهانی در سال ۲۰۱۹ معادل ۲/۲ درصد تولید ناخالص داخلی جهانی بوده است که تقریباً ۲۴۹ دلار به ازای هر نفر می باشد.

دکتر نان تیان، محقق موسسه سپیری می گوید: "هزینه های نظامی جهانی در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۲۰۱۰ میلادی، ۷/۲ درصد افزایش داشته است که نشان دهنده آن است که شیب هزینه نظامی جهانی در سالهای اخیر مسیری صعودی طی کرده است."

این بالاترین سطح هزینه نظامی پس از بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ و احتمالاً نقطه اوج هزینه های نظامی جهانی است.

ایالات متحده آمریکا بیشترین هزینه نظامی در سطح جهانی را دارد. اما دولت "هزینه کافی" برای دسترسی به پزشکی رایگان برای همه شهروندان را ندارد!

هزینه های نظامی ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۹ با ۵/۳ درصد افزایش به ۷۳۲ میلیارد دلار رسیده است که ۳۸ درصد کل هزینه نظامی جهانی را به خود اختصاص می دهد.

میزان افزایش هزینه های نظامی آمریکا در سال ۲۰۱۹ به تنهایی معادل کل هزینه های نظامی آلمان در همین سال است.

متوسط هزینه‌های نظامی برای کشورهای قاره آمریکا، ۱/۴ درصد تولید ناخالص داخلی، برای کشورهای قاره آفریقا ۱/۶ درصد، در آسیا و اقیانوسیه ۱/۷ درصد، در اروپا ۱/۷ درصد و در خاورمیانه ۴/۵ درصد گزارش شده است.

پیتر ویزمن، محقق ارشد موسسه سبیری می گوید: "رشد اخیر در هزینه‌های نظامی آمریکا تا حد زیادی به خاطر بازگشت رقابت‌های بین قدرت‌های بزرگ در سطح جهانی است."

چین و هند؛ بیشترین هزینه‌های نظامی در آسیا را صرف می‌کنند و به ترتیب رده‌های دوم و سوم جهانی را از نظر هزینه‌های نظامی در جهان به خود اختصاص داده‌اند. هزینه‌های نظامی چین در سال ۲۰۱۹ به ۲۶۱ میلیارد دلار رسیده که در مقایسه با سال ۲۰۱۸ حدود ۵/۱ درصد افزایش نشان می‌دهد.

هند نیز با ۶/۸ درصد رشد هزینه‌های نظامی در سال ۲۰۱۹ مخارجش در این حوزه به ۷۱/۱ میلیارد دلار بالغ گشته است. " این در حالی است که زندگی شهروندان هندوستان با دو دلار در روز پیش می‌رود و بنا بر اعلان بانک جهانی ۸۷۲/۳ میلیون نفر در هند زیر خط فقر به سر می‌برند. "

به گفته سیمون ویزمن، محقق ارشد سبیری، تنش‌ها و رقابت‌های هند با پاکستان و چین از جمله دلایلی است که باعث افزایش هزینه‌های نظامی آنها شده است.

علاوه بر چین و هند، ژاپن با ۴۷/۶ میلیارد دلار و کره جنوبی با ۴۳/۹ میلیارد دلار از جمله کشورهایی در آسیا هستند که مخارج نظامی قابل توجهی دارند.

آلمان بالاترین هزینه‌های نظامی در اروپا را دارد. هزینه‌های نظامی آلمان در سال ۲۰۱۹ با ۱۰ درصد افزایش به ۴۹/۳ میلیارد دلار بالغ گشته است.

آلمان بالاترین درصد افزایش در هزینه‌های نظامی را در میان ۱۵ کشور اول لیست هزینه‌های نظامی سال ۲۰۱۹ را داراست. افزایش تهدیدات از سوی روسیه از جمله دلایل این افزایش ذکر شده است.

در میان کشورهای عضو ناتو در اروپای مرکزی نیز شاهد افزایش قابل توجهی در هزینه‌های نظامی هستیم. بعنوان نمونه، بلغارستان با افزایش ۱۲۷ درصدی (عمدتاً برای خرید هواپیماهای نظامی) و رومانی با افزایش ۱۷ درصدی از جمله این کشورها هستند.

کل هزینه‌های نظامی ۲۹ کشور عضو ناتو در سال ۲۰۱۹ به ۱۰۳۵ میلیارد دلار بالغ شده است.

روسیه در سال ۲۰۱۹ چهارمین کشور جهان از نظر هزینه‌های نظامی بوده است که با افزایش ۴/۵ درصدی، مخارجش به ۶۵/۱ میلیارد دلار رسیده است.

طبق گزارش شرکت خدمات مشاوره‌ای "آی‌اچ‌اس مارکیت"، ایران از نظر هزینه‌های نظامی خود از اسرائیل و کانادا پیشی گرفته و با ۱۷ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار در رده پانزدهم جدول یادشده قرار گرفته است. محمدجواد

ظریف روز ۲۳ آذر در چهارمین کنگره سراسری حزب ندای ایرانیان کل بودجه دفاعی ایران را کمتر از ۱۶ میلیارد دلار اعلام کرد. تاریخ گزارش ایران مربوط به اواخر سال ۲۰۱۸ و اوایل سال ۲۰۱۹ می باشد.

هزینه های نظامی در کشورهای آفریقایی:

گفته میشود درگیری های مسلحانه در کشورهای جنوب صحرای آفریقا از محرک های اصلی افزایش در هزینه های نظامی بوده که باعث عدم ثبات در مخارج نظامی در این کشورها شده است. برای نمونه در سال ۲۰۱۹، بورکینافاسو ۲۲ درصد، کامرون ۱/۴ درصد و مالی ۳/۶ درصد هزینه های نظامی شان افزایش داشته است. در مقابل چاد با منفی ۵/۱ درصد، نیجر با منفی ۲۰ درصد و نیجریه با منفی ۸/۲ درصد شاهد کاهش در هزینه های نظامی شان هستیم.

در میان کشورهای حوزه آفریقای مرکزی که درگیریهایی مسلحانه در آنها بیشتر است، شاهد افزایش هزینه های نظامی بوده ایم. جمهوری آفریقای مرکزی با ۸/۷ درصد، جمهوری دموکراتیک کنگو با ۱۶ درصد و اوگاندا با ۵۲ درصد، هزینه های نظامی شان را افزایش داده اند.

اینها هزینه های علنی و اعلام شده شان برای یک سال است و آمار سودها نیز که قبل از بخش نظامی آوردم فقط مختص به سه ماه دوران کرونا و تنها مربوط به برخی از بخش های اقتصادی می باشد. ارقام سودهایی که اینجا آوردیم تنها یک پرکاه از خرمن عظیم سودجویی بورژوازی جهانی است. حال اما فرض کنید که بتوانید این میلیاردها سود و هزینه را جمع ببینید و صرف بشریت کنید تا ببینید دنیا بدون منجلاب سرمایه داری به چه بهشتی از نعمات و امکانات برای بشریت تبدیل خواهد شد.

• کرونا، حاکمیت و امکانات

اینها مخارجی بود که دولت مختلف بورژوازی صرف ناامن کردن و نابودی زندگی میلیونها انسان بیگانه در سرتاسر جهان میکنند و همزمان از کمبود هزینه و بحران اقتصادی و مقروض بودن دولت ها، بعنوان دلایل اصلی "ناتوانی" در تامین سلامت و زندگی میلیونها انسان در سرتاسر کره خاکی در مقابل ما قرار میدهند.

حکام دنیا ضجه میکنند که بدبخت شدیم و دنیا باید درک کند اوضاع وخیم است. می خواهند بگویند این سرنوشت مشترک همه مردم دنیا است. میخواهند من و شما و آنها را تبدیل کنند به مشکلات "ما"، معضل ما آمریکایی ها، ما ایرانی ها، ما لبنانی ها، ما اروپایی ها و ... حکام ایران می گویند مشکلات ما مردم ایران، کاخ سفید می گویند: مشکلات ما مردم آمریکا و کابینه ماکرون هم میگویند مشکلات ما مردم فرانسه! در برخورد با کرونا.

با توصل به این استدلال ها قرار است هرچه بدبختی و فلاکت می بارد به جیب طبقه کارگر سرازیر و بین مردم محروم تقسیم کنند. ولی همان گونه که در بالا آمار نجومی هزینه ها و سودهایشان را آوردیم آن سوی سکه حکایت از سودهای الترامیلیاردی دارد که به جیب فقط اقلیت خاصی از مردم دنیا و آن هم طبقه سرمایه دار سرازیر خواهد شد.

بهرمندی اقلیتی در این دنیا از حجم عظیمی از نعمات و امکانات رفاهی، امنیتی، بهداشتی و معیشتی و ... گواه انکارناپذیر طبقاتی بودن منفعت مردم و جدال طبقاتی محکومین با حاکمین در سراسر دنیا است. جدال طبقاتی که هر روز بیشتر جلوی صحنه جامعه صف آرائی میکند.

در این دوره سه ماهه، کرونا نیز بی مسئولیتی بنیادی سیستم حاکم را افشا کرد، کرونا باعث شد این بی مسئولیتی در شکلی عریان هرچه بیشتر نمایان شود و در جلوی چشم جهانیان نقش ببندد. برای مثال:

- "معاون وزارت بهداشت ایران از بالا بودن میزان مرگ و میر بر اثر کرونا در میان فقرا خبر داده و گفته است که احتمال ابتلا بویژه در وسایل حمل و نقل عمومی بالاست."

بالا رفتن آمار ابتلا در میان فقرا یعنی، در میان بخشی از جامعه که شما سالها است به آنها فقر و فلاکت را تحمیل کرده اید. مردمی که شانس بهره مندی از وسیله نقلیه شخصی را ندارند و ناچار به رفتن سر کار و استفاده از وسایل نقلیه عمومی هستند امری قطعی است.

طبیعی است میزان ابتلا به این بیماری در میان بخشی از جامعه که از دسترسی به تغذیه مناسب، بهداشت سطح بالا، امکانات پزشکی و دارویی مناسب و زندگی با استاندارد بالا، مانند وزرا و سران حکومت و فرماندهان دستگاه سرکوب، برخوردار نیستند چندصد برابر باشد. این فقط مختص به ایران نیست. ویروس کرونا در تمام کشورها بر شانه جهان و نظامی نابرابر، طبقاتی شد و طبقاتی قربانی گرفت!

مثلا: امکانات برای بستری و تجهیزات اکسیژن رسانی و تنفس مصنوعی برای بیماران مبتلا به کرونا حیاتی ترین مسئله است که به شکل قابل توجهی آمار مرگ و میر را کاهش می دهد. اگر این امکانات را در اختیار مردم می گذاشتند شاید امروز بیش از ۷۰ درصد انسانهایی که از کرونا جان سپردند یا بهتر و درست تر است بگوئیم توسط سیستم به قتل رسیدند، امروز زنده می ماندند و در بین عزیزانشان بودند.

بیشتر سخنگویان و حکام دنیا از روحانی تا آنگلا مرکل و بوریس جانسن این تئوری بر زبانشان جاری شد و گفتند: "۸۰ درصد از مردم به کرونا مبتلا خواهند شد!" این به اصطلاح صداقت گوئی شان با مردم از آنجا سرچشمه میگیرد که: وقتی گسترش یک ویروس به مرحله پاندمی و شیوع با سرعتی بسیار بالا برسد باید این تئوری را خلق کنند. حال از این بگذریم که آیا نمی توانستند این ویروس را به گونه ای مدیریت کنند که به مرحله بحران اپیدمی و بعد به مرحله جهانی و پاندمی نرسد؟ که قبل تر مدیریت شان را بررسی کردیم که چه اندازه غیرمسئولانه و ضدانسانی همه ی حکام و کشور های دنیا به جعل تاریخ ویروس و مدیریت سود دهی به جای مدیریت ویروس و .. مشغول شدند. اما اینجا فوکوس بحث را روی بُعد دیگری بگذارم و آن هم اینکه: صرف گفتن و اعلام این که ۸۰ درصد مردم به ویروس کرونا مبتلا می شوند به چه معنی است؟ البته روشن گفته اند که ۸۰ درصد مبتلا خواهید شد و آماده مرگ خود یا عزیزانتان باشید! این یعنی بورژوازی قرار نیست هزینه ای صرف کند و یا کاری برای نجات مردم انجام دهد، فقط قرار است چگونگی مرگ مردم را مدیریت کنند، که مردم در خانه بمیرند یا در خیابان بمیرند و برای این امر چه تعداد قبر آماده کنند.

برای نمونه به مدیریت بحران کرونا و رسیدگی به مبتلایان در ایران نگاه کنیم:

- مجتبی یزدانی، معاون خدمات شهری شهرداری تهران، یکشنبه ۲۴ فروردین در جلسه شورای اسلامی این شهر اعلام کرد. علاوه بر ۱۰ هزار قبر جدید که آماده شده است، سازمان بهشت زهرا شهرداری تهران طراحی و ساخت «مرکز تطهیر مجهز و ایزوله» را هم «با هدف افزایش ظرفیت پذیرش اموات در مواقع بحرانی در محل سوله های بحران» آغاز کرده است. به گفته یزدانی ظرفیت سردخانه های «مجتمع عروجیان» نیز افزایش یافته است: یک سردخانه با ظرفیت ۴۰ فوتی و دو سردخانه کندهایی به امکانات این سازمان افزوده شده است. سازمان بهشت زهرا همچنین ۲ دستگاه کاننتیور ۱۲ متری یخچال دار را هم برای «شرایط بحران» و «به جهت پشتیبانی از سردخانه مرکزی» در اختیار گرفته است.

- لازم به تکرار افاضات بوریس جانسون در انگلیس هم نیست که از احتمال مرگ حدود پانصد هزار نفر حرف میزدند و می خواستند جامعه آماده پذیرش این مرگ ها باشد.

شنیع تر از آن اینکه: برای این رفتارهای غیر مسئولانه خود اسم های متنوع دهان پرکنی هم پیدا کرده اند از جمله "کمیته اقدام سریع"، "کمیته اضطراری" و رایج ترین آنها "مدیریت بحران" که در تمامی دنیای سرمایه داری جهان ورد زبانشان است. لازم به تکرار مباحث مفصل بالا هم نیست که ثابت میکند ماحصل عملی این نهاد های "مدیریت بحران" مطلقا هیچ کاری نکردن بوده است!

اسم این بی مسئولیتی و بی حرمتی به جان انسان هر چه هست، مدیریت بحران نیست! در واقع مدیریت روانی پذیرش ابعاد فاجعه است، مدیریت اینکه بعد از مرگ میلیون‌ها انسان در اثر بی لیاقتی و سودجویی آنها، کسی سیستم حاکمه را مقصر نداند و انگشت اشاره را به سوی خاکی نشانه نرود. در همین راستا تئوری دکتر مهرناز اسدی، فوق تخصص ریه و رئیس آی سی یوی بیمارستان امام خمینی درباره امکانات را بخوانیم:

- "ما معتقدیم که این ویروس آنوردم در کل کره جهان وجود دارد اما بهتر است کاری کنیم که مردم عزیزمان همه‌ی‌ها هم نگیرند، چون آن موقع تخت‌های بیمارستانی، دکترها، پرستاران و پرسنل بیمارستانی مان جوابگوی این حجم از جمعیت نیست. بهتر است همه را تقسیم کنیم و مردم یک سوم و یک چهارم به این بیماری مبتلا شوند.... مرگ و میر ویروس کرونا نسبت به سایر ویروس‌های خشمگین، کمتر است" و در جواب به این سوال که اگر کسی امکان تهیه دارو نداشته باشد خواهد مرد، میگوید: "در اینکه مرگ و میر دارد شکی نیست اما میزان مرگ و میر آنفلوآنزا نسبت به کرونا بیشتر است."

پس بورژوازی به این نتیجه میرسد که به خاطر اینکه امکانات را از ۱۰ سال قبل فراهم نکرده بوده و نمی خواهد هم بکند، در نتیجه جامعه را در گروه های ویژه برای ابتلا کرونا و احتمالاً مرگ آماده کند.

این مانند تئوری کشور سوئد در قبال سالمندان و یا تئوری برخی کشورهای اروپایی در خصوص انتخاب و اولویت بندی نجات افراد بر اساس نقش شان در تولید و سودآوری است. مسئله را ساده و قابل پذیرش کرده اند، محرومین و کم درآمد ها و "سود نده" ها محکوم به مرگ هستند حالا چه با آنفلوآنزا یا ذات الریه یا کرونا.

این ویروس کرونا نیست که قربانی میگیرد. عدم امکانات، فقر، تعرض سی ساله دُول بورژوازی به معیشت و بیمه ها و خدمات اجتماعی، منجمله پزشکی است که قربانی میگردد و امروز قساوت و بیرحمی خود را به کرونا نسبت میدهد. و کار تئورسین بورژوازی هم این است که کلاف سردرگم مرگ مردم را هر چه بیشتر پیچیده کند، نبود امکانات را توجیه کند.

• **کرونا ی طبقاتی و تعمیق صفتندی ها**

پاندمی کرونا ناکارآمدی کاپیتالیسم و وارونگی سیستم سرمایه داری را در ابعاد جهانی جلو صحنه تمامی جوامع بشری قرار داد. اختلافی لاینفک در دو شیوه زندگی: یکی ایجاد و خلق نعمت و امکان برای رفع نیاز معیشتی و رفاه بشریت و دیگری استثمار نیروی کار برای تصاحب سود سرمایه و تملک بر تمامی امکانات رفاهی و تولیدات و ثروت و سود دنیا. بحران کرونا بر بیلبرد اتوبانها در کشورهای مختلف سرمایه داری یک چیز را نصب کرد، زندگی با تئوری سرمایه داری مساوی است با فلاکت سه چهارم انسانها، راه نجات انقلاب محرومین و پرولتاریای جهان است.

روند بسیار سریع چند ماهه بحران کرونا نشان داد که تعرض و تملک قشری کوچک در گستره جهان بر تمام امکانات و تولیدات و نعمات، تنها گواه یک چیز است و آن هم اینکه کاپیتالیسم، با هر روینای سیاسی، چه اندازه برای جایگاه انسان و حرمت و جاننش ارزش قائل است که امروز تا این اندازه اعلام نآمدگی برای نجات جان بشریت میکند و از نداشتن امکانات کافی اشک تمساح میریزند.

کرونا نشان داد ثروت و امکانات موجود در جهان میتواند زندگی تمامی مردم کره خاکی را تا دو نسل بعد از خودش به لحاظ رفاهیات و سطح استاندارد معیشت، دارو و درمان، بهداشت، خوراک و پوشاک و تفریح و... تامین کند. اما تقسیم ناعادلانه ثروت، امکانات و تولیدات در کره خاکی، اقلیتی انگل را تحت حاکمیت سرمایه داری صاحب ثروت های نجومی و امکانات رفاهی و درمانی و معیشتی و ... کرده و از طرف دیگر اکثریت جامعه و شهروندان را از کمترین رفاه و آسایش محروم کرده است.

جهانی که در ازاء دهها هزار نفر فقط چند تخت بیمارستانی و امکان درمانی وجود دارد ولی در ازاء هر تک نفر دهها تن گلوله، اسلحه، تانک، نوجنگی، سلاحهای اتمی و میکروبی و هیدروژنی تولید کرده و از دهها سال قبل در فکر مبادای کشمکش شان با دیگر قدرتهای جهانی تجهیزات و امکانات کاملاً کافی برای نابودی کل بشریت ذخیره دارند. کرونا جایگاه ارزش انسان در سیستم حاکم بر جهان را نمایان تر ساخت.

اما دو پدیده را باید در مباحث اسناد و آمار بالا تدقیق کنیم. اول راهکار اصلی که سرمایه داری جهانی در تقابل اپیدمی کرونا با آن به میدان آمده است، قرنطینه و تناقضات آن و دوم دستگاه پلیس و سرکوب به دلیل نگرانی از چهره بی اعتبار در اقناع مردم به تمکین به مدل زندگی و اقتصادی موجود.

• مردم در تقابل با قرنطینه

گفتم که هر کجای نظم سیستم حاکم بر جهان امروز را بنگرید ضدیت آن با ارزش جان انسان بیرون خواهد زد. طبیعتاً تحلیل ها و راهکارهای بورژوازی برای کرونا نیز از این قاعده مستثنی نیست. با در کنار هم قرار دادن ابعاد برخورد به این مسئله عمق تناقضات راهکارشان را دیدیم.

اما چرا این همه تناقض و چه چیزهایی این تناقضات را می آفریند.

سیستم بورژوائی در کشورهای مختلف از طریق سخنگویانشان از روحانی تا بوریس جانسون و ترامپ و ... در ضرب اول از تن دادن به قرنطینه اجتناب کردند، و خواندید که با چه تئوری هائی وارد این کارزار شدند. دلیل اصلی آن هم پرواضح است. تلاش کردند با پرداخت هزینه انسانی از دادن خسارت اقتصادی و کاهش سودهای اولترا میلیاردیشان اجتناب کنند.

اما ابعاد فاجعه و آمار تلفات انسانی بعد از در نظر نگرفتن تدابیر امنیتی به حدی بود که مجبور شدند با انواع ترفند کم کم وارد فاز قرنطینه موقت شوند. دقیقاً اینجا در این مقطع بود که داد و فغان بنگاه های اقتصادی سر به فلک کشید که دارند دچار خسارتهای میلیارد دلاری می شوند و شروع به اشباع روزنامه ها و مدیا از آمار و ارقام شکست اقتصاد، نفت و گردشگری و غیره کردند.

تئوریسین های بورژوازی وارد کار شدند تا در طرح های مختلفی برای دوران کرونا، کمی از خسارات سود را جبران کنند. سرمایه داری در اروپا تلاش کرد تا با ارائه یک توافق نامه با طرح اختصاص بیش از نیم تریلیون یورویی برای مقابله با اوضاع وخیم اقتصادی، اما همزمان وانمود کند در فکر مهار کرونا و به فکر مردم هستند و تبلیغات عظیمی در رسانه ها به راه افتاد تا چنین فضائی را به نمایش بگذارند. اما روشن شد که جان و سلامت مردم مثل همیشه آخرین مسئله روی میز حاکمیت های بورژوائی در اروپا است و مسئله اصلی سودی است که از این بده بستان ها در تقابل باهم بدست خواهند آورد. دولت های اروپائی نیز مثل دیگر همپالگی هایشان در آمریکا و آسیا به روشنی از ابعاد ویرانگر کرونا و فاجعه کشتار انسانی آن آگاه بودند ولی هیچ اقدام پیشگیرانه ای برای نجات جان انسانها در اولویت برنامه ریزی شان قرار ندادند. در سطح جهانی نیز کشور های جی-۲۰ تلاش دارند طرح کمک ۵ هزار میلیارد دلاری به چرخه اقتصاد جهانی را پیش ببرند. باید توجه داشت، که اساساً این طرحها برای کمک به سرمایه و حمایت از صاحبان آن است.

کل بندهای این کمک نیم تریلیون یورویی اروپا یا پنج هزار میلیارد دلاری اقتصاد جهانی به بهانه "بحران کرونا" هیچ ربطی به تامین امکانات بهداشتی و داروئی و یا ساخت بیمارستان و مقابله با کرونا یا کمک به نجات جان شهروندان ندارد. یا ربطی به راه اندازی بیمارستان های جدید و تولید امکانات، برای کمک به کارگران و بخش محروم جامعه و تامین زندگی و ایجاد امکان ماندن در خانه و قرنطینه ندارد، بلکه به جبران خسارت به مراکز تولید و کارخانه ها و صنعت اختصاص داده خواهد شد و اختصاص مقدار بسیار بسیار ناچیز این هزینه ها برای نجات انسانها از چنگال مرگ کرونا آنهم اگر چیزی از آن چپاول کرونايي باقی بماند خواهد بود.

خواست پایان قرنطینه!

وضعیت معیشتی اسفناک کارگران را در ایران یا آمریکا شاهد هستیم، همچنین وضعیت کارگران ساعت کار، فصلی و یا حتی کارگران بیکار را در نظر بگیرید، حال که یکباره و مثل یک بلا ناگهانی به این قشر از جامعه بگوئید باید دست از کار بکشید و در خانه بمانید! این راهکار را البته باید ضرب شرایط عدم امنیت شغلی، بهداشت و درمان، مسکن و پوشاک، بیمه، خوراک و عدم مسئولیت پذیری سیستم ها در قبال این شرایط بکنید.

سوال واقعی این است که آیا به نظر شما پُر قرنطینه از طرف دولت ها بیشتر به یک طنز تلخ انتخاب دو مدل از مرگ نیست؟ یا مفلوک و گرسنه و مستأصل بمیر یا در محیط آکنده از سیل و ویروس کرونا بمیرد.

اما مردم این دهان کجی به حرمت و جان خود و عزیزانشان را نه می خواهند و نباید ببیزینند. بخش عظیمی از مردم در کشورهای مختلف دنیا راه دیگری در پیش گرفتند و آن هم تعرض به ساحت "مقدس" سیستم بورژوازی، تغییر وضع و نظم موجود است! مردم جای جای دنیا با زبان های مختلف ولی با یک شعار صدا و در یک همبستگی طبقاتی، مطالبه آزادی، رفاه، امنیت و آسایش و بازگردانی اختیار و حرمت به انسان را در دستور کار خود قرار داده اند.

• کرونا و حربه ایجاد فضای پلیسی و جاسوسی

متأسفانه بشریت در دل یک تراژدی انسانی که تا هم اکنون بیش از نیم میلیون نفر جان باخته اند، چهر کریه و ضد انسانی این نظام را لخت و عریان دید و تجربه کرد. متأسفانه این تجربه هزینه سنگینی برای بشریت داشت. برملا شدن چهره کثیف بورژوازی مختص دنیای کرونایی نیست بلکه اعتراض به این نوع سیستم معیوب و واورنه، قبل از "بحران کرونا" با شدت هرچه تمام تر از چین تا آمریکا، شیلی، ایران، لبنان، عراق، فرانسه و ... در جریان بود. اما طبعات آن در دنیای کرونا به اوج خود رسید. این مسئله نگرانی های جدی را در برابر ادامه شکل حیات بورژوازی قرار میدهد.

همین نگرانی از خروش خیل عظیم معترضان است که هر کدام از کشورها به بهانه کرونا تلاش کردند فضا را پلیسی و میلیتاریزه کنند. امروز در اکثر کشورها شاهدیم که به بهانه نظم و کنترل بر اوضاع کرونا (در واقع هیچ ربطی به زندگی بشریت امروز و نجاتشان از کرونا ندارد) دستگاه پلیس و ماشین سرکوب را در جامعه به صف کشیده اند. به روال همیشه تئوریسین ها به رسانه ها سرازیر میشوند تا همه را با تئوری "حضور پلیس و فضای امنیتی برای حفاظت از شما است" اشباع کنند و هزاران اپلیکیشن جاسوسی هم به بهانه کرونا در خدمت می گیرند که حتی اتاق خواب انسانها را هم زیر رصد سیستم پلیس ببرند.

این تجدید آرایش به دلیل هراس و نگرانی و هشدار است که اتاق های فکر بورژوازی در اسرائیل، فرانسه، انگلیس و ایران دارند زنگ خطر آن را میزنند. اینها خطر اعتراضات وسیع و گسترده تری از دنیای قبل کرونا را از طرف مردم انتظار میکشند.

حرف آخر

• پاندمی سرمایه داری، انتخاب شیوه دیگری از حیات

اما این تجدید آرایش سیستم سرکوب و هشدار حاکمین حکایت از تغییر آرایش صف مبارزاتی طبقه کارگر در شکلی متحدتر و با همبستگی جهانی تر است. به شهادت تمامی میدیا و رسانه های بورژوازی و کارشناسان و ناجیان شان که از پوچ شدن حربه هایشان به زبانی دیپلماتیک میگویند و اینکه دستشان رو شده و باید زنگ خطر را جدی بگیرند. بشریت متمدن امروز این حجم از چپاول و تناقض اعمال شده را نمی پذیرد، هر روز و به طرق مختلف اتاق های فکریشان گوشزد میکنند که باید در فکر چاره باشند، اذعان می کنند که: در سراسر دنیا سرها به طرف مارکس برگشته است و نگاه امید به آلترناتیو کمونیستی در تقابل با سیستم سرمایه داری با قدرت به جلوی صحنه جامعه آمده است.

بحران و عدم پاسخگویی سرمایه داری! فاش شدن دماکوژیسم سیستم و ترفندها برای مجاب کردن مردم به تقدس نظام سرمایه داری هر روز نمایان تر از روز قبل میشود. بورژوازی امروز میدانند که دیگر با کارت ملت، قوم، مذهب، نژادپرستی و

ناسیونالیزم نمی تواند بازی کند و این کارت ها برای طبقه کارگر جهانی سوخته است. اعتراضات دنیای قبل از کرونا پیام روشن و "هولناکی" برای حکام کشورهای مختلف دنیا داشت: پیام همبستگی و هم سرنوشتی معترضان که مرزها و تقسیمات قدرت های منطقه ای و جهانی را درهم شکست. نوید یک جنبش انترناسیونالیستی!

در دوره کنونی، سرمایه داری دنیا با استیصال و عدم راهکار و جواب برای رهایی جوامع از منجلا ب و سیاه روزی که حاصل چندین دهه استیلا ی نظم و آرو نه اش بوده روبروست. با هر چه آشکارتر شدن بن بست بورژوازی در مدل پیشبرد زندگی بشریت متمدن امروز، آشکارتر شدن بی جوابی این سیستم به پدیده معیشت مردم، رفاه و آزادی و امنیت، تنها به یک چیز دامن خواهد زد، هر چه بیشتر خروشان شدن آتشفشان خشم طبقه کارگر و محرومان جهان است.

همچنین هشدارها و هراس این دوره حکام دنیا درک این شرایط را برایشان مسجل کرده که با به حرکت در آمدن گدازه های خشم مردم، ماشین سرکوب و ارعابش چیزی جز یک عروسک نخواهد بود. همبستگی مردم در گوشه و کنار دنیا نشان داد که مطلقا هیچ امیدی به آینده روشن در نظم سرمایه داری وجود ندارد. فقط مروری کوتاه بر وقایع یک سال گذشته دنیا نشان میدهد که حربه پلیس و فضای امنیتی حکام کشورهای مختلف دنیا چه اندازه پوچ و باطل است. مردم با صفوف میلیونی و گسترده اعتراض شان در کشورهای مختلف نشان دادند که در برابر دستگاه سرکوب تا دندان مسلحش هیچ که ایزوله نخواهند شد، بلکه بسیار منسجم تر صف آرای می کنند و آنها را به عقب می رانند.

حتی در دوران کرونا مردم ثابت کردند که تصمیم خود را گرفته اند و از این سیستم سراسر کذب و دروغ و تناقض گذر کرده اند. شهروندان جهان با تشکیل نهادهای مردمی، کمک داوطلبانه پزشکان و پرستاران از آسیا تا اروپا و آمریکا، هم منفعتی و همسرنوشتی خود را اعلام و مهر باطل شدن اعتبار سیستم سرمایه داری را با تمام توان کوبیدند.

وضعیت مرگبار و تراژدیک این چندماه که در پرونده حیات بشریت نقش بست در کتاب های تاریخ آیندگان به عنوان کشتار و قربانیان کرونا نوشته خواهد شد بلکه به عنوان تاریخ جنایت هولناک نظام سرمایه داری نوشته و مطالعه خواهد شد. پرونده جنایات و راهکارهای ضدانسانی این نظام در تمام زمینه ها از جنگ و بمب های میکروبی و هیدروژنی و اتمی اش تا دامن زدن به نفاق و تراشیدن هویت های کاذب قومی، ملی و مذهبی برای انسانها در خدمت بقا سیستم اش و به قیمت به خاک و خون کشیده شدن این جوامع و بعلاوه رها کردن انسانها و بی مسئولیتی در قبال جان و هستی آنها در مقابل سیل و زلزله و کرونا و... همگی روی میز بشریت برای تعیین تکلیف کردن با آن قرار خواهد گرفت.

اعتراضات اخیر و میلیونی در کشورهای مختلف دنیا با مطالبات رفاهی و معیشتی در دفاع از سعادت، امنیت، آزادی و برابری و برای یک زندگی شرافتمندانه، میدان جدال اساسی و رودرروی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه با کاپیتالیسم خواهد بود.

اینجا خارج از خواست و نیت قلبی هر انسانی، یک مسئله محتوم و اجتناب ناپذیر خواهد بود و آن اینکه: بورژوازی به عنوان یک سیستم یا یک راهکار و مدل زندگی که جز توحش و بربریت چیزی نیست، بی کفایتی و ضدیت خود با هر نوع زندگی انسانی و عادلانه را نشان داده است و آلترناتیو و نقطه مقابل آن نیز کمونیسم است که امروز تنها جواب واقعی برای پایان این توحش است.

خیل میلیونی معترضان دنیا با کرونا و یا بعد از کرونا، با شاغل و بیکار جامعه، مطالباتی را برای معیشت و ادامه حیات و توقع از زندگی مطرح کرده است که برای سیستم سرمایه داری با تمامی مدلهایش از نوع ایرانی تا چینی و آمریکائی و فرانسوی و با مدل اسلامی تا سوسیال دمکرات و محافظه تنها یک راه را برای طبقه کارگر جهانی باقی میگذارد و آنهم "برچیده شدن کلیت سیستم گنبدیده شان است".

همین امروز و بعد از هزارن بار بهتر نمایان شدن تناقضات و دروغ و کثافات سیستم سرمایه داری در بحران کرونا، معترضین دوباره با مطالباتی عدالتخواهانه به میدان آمده اند. در شرایطی که مطالبات آنها را سرمایه داری نه می تواند جواب دهد، زیرا جواب به این مطالبات با فلسفه وجودی سرمایه داری و نفس تولید برای سود در تناقض است. جواب به مطالبه یا حل مسئله امنیت، برابری، رفاه و سعادت بشریت، یعنی برچیده شدن کل نظام بورژوازی موجود.

دیگر امروز تضاد طبقاتی و منفعت مشترک طبقه کارگر جهانی بر کسی پوشیده نیست و در دنیای پس از کرونا شاهد اتحاد و همبستگی جدی تر این مبارزات انترناسیونالیستی خواهیم بود.

حقایق این دوره، بی جوابی و بی مسئولیتی همه دولت ها در قبال جان مردم جهان، بی اهمیتی جان انسانها برای آنها و فوران و عروج نفرت عمومی طبقه کارگر و محرومان جامعه علیه حکام بر جهان، یک راه را در مقابل ما قرار داده است. این راه کمونیسم و پایان بردگی مزدی است. این راه بازگشت بشریت به راه حل کمونیست ها به انقلابات کارگری و به مارکس است. ترس از این مسئله و جمع شدن طبقه کارگر حول یک راهی سوسیالیستی است که بالایی ها را به فکر فرو برده و مراکز پلیسی و اطلاعاتی و... آنها، در مورد بازگشت به مارکس و مانیفست هشدار میدهند و مجبور شده اند یک دوره دیگر توپخانه رسانه ایشان را از آمریکا تا آلمان و سوئد و ایران در بمباران و تحریف کمونیست و هراس افکنی از آن به کار بیندازند.

اتفاقی دنیای کرونا و بحران سرمایه و تراژدی دردناک امروز به بشریت یادآور کرد که نوع دیگری باید زیست و در دنیا معیارهایی هستند که با سود و سرمایه قابل سنجش یا معامله نیستند و نباید باشند.

علی رغم تمام تلاش حکام و سردمداران دنیا با در اختیار گرفتن تمامی ابزار سرکوب و ارعاب و تبلیغ، اما کرونا باعث شد اتحاد و همبستگی و مطالبات معترضین جهان به نظم موجود هرچه بیشتر همسو و هم جهت گردد و هرچه بیشتر رنگ منفعت طبقه کارگر را به خود بگیرد. امروز می توان بر متن این اتحاد تاریخ را متحول کنیم و کار جنازه نیمه جان بورژوازی را یک سره کنیم و باید این کار را بکنیم.

جرات کارگر در سلب اعتبار از مدیریت بورژوازی و دست بردن دوباره به شعار مدیریت و حکومت شورائی، دست بردن مردم به مدیریت بحران سیل و زلزله و کرونا با تشکیل کمیته های مردمی بحران و همیاری، همچنین دست بردن به شعار برابری در تمام سطوح یعنی دخالت طبقه کارگر و اقشار زحمتکش جامعه در سرنوشت خود است. این دریچه ای را بر روی طبقه کارگر و کمونیستها باز میکند تا اراده کنند، تصمیم بگیرند و با نقش هوشیارانه خود، با اتحاد کارگران، نیروی جنبش خود را برای انقلاب خود، انقلاب کارگری آماده و به میدان بیاورند.

دنیای پس از کرونا آستنن تحولاتی بزرگ خواهد بود، کمونیسم تنها راه رهایی بشریت از چنگال نظمی کثیف و متعفن و وارونه و رسیدن به سعادت، رفاه و مدنیت و امنیت و برابری و آزادی و تحقق بخشیدن به تمامی خواست و مطالبات معترضین به نظم و وضع موجود است.

به پیروزی رساندن آن در گرو درک تمامی ابعاد مبارزاتی و حربه های بورژوازی، در گرو تقویت هرچه بیشتر همبستگی و اتحاد طبقاتی طبقه کارگر در سطح محلی، منطقه ای و جهانی است. حرکتی که برای کنترل زندگی خود تا مدیریت بحران های مختلف تا همیاری و اتحاد مردمی آغاز شده را باید تبدیل به خیز برداشتن برای به دست گرفتن قدرت سیاسی کنیم.

آسو فتوحی

۲۵ ژوئن ۲۰۲۰